


# رمضان، ماه قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه
لشکر خراسان

شماره هفتم   رمضان - شوال 1434 هـ

"يَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتٌ سُودٌ لاَ يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاء"

رواه امام احمد.

ازخراسان، بیرق های سیاهی می برآید، هیچ چیزی جلو این بیرق را گرفته نمیتواند، تاکه به ایلیَاء (بیت المقدس) نصب کرده میشود.

صاحب امتیاز:




آدرس انترنیتی:

www.khurasan.biz

## دراین شماره...

# بسم الله الرحمن الرحیم

# پیام تبریکی حرکت اسلامی ازبکستان به مناسبت عید سعید فطرسال 1434هـ ق

الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلَّ له، ومن يضلل فلا هادی له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريک له، وأشهد أنَّ محمَّدًا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وسلم شهادةً ندَّخرها ليوم لقائه يوم لا ينفع مالٌ ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم، اما بعد: قال الله تعالى (قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِکَ فَلْيَفْرَحُواْ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ). "يونس/58"

برادران وخواهران مسلمان، پدران ومادران دین دوست ودین پرور، جوانان اصیل امت اسلام وخوانندگان نهایت گرامی!

درقدم نخست تحفۀ سرور کائنات وناجی بشریت را به عنوان السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته؛ برای شما عزیزان تقدیم مینمایم.

درقدم ثانی: ما مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان حلول عید سعید فطر را به کافه امت اسلام از صمیم قلب تبریک وتهنیت عرض میداریم، خداکند که این روز های خوشحالی را با فرحت وسرور، اخوت وبرادری، وحدت ویکپارچگی، حریت وآزادی کامل سپری نمایید.

البته این روز ها روز های است که الله سبحانه وتعالی برای ما مسلمانان ارزانی فرموده است، باید امت اسلام، این روز ها را در کنار همدیگر پراز مهر ومحبت، اخلاص وصمیمیت سپری نمایند.

باید مسلمانان؛ درین روز پراز شفقت ومهربانی؛ کردار، گفتار، رفتار واخلاق خویش را به قرآن وحدیث برابر ساخته، ونباید، به تبلیغات وتوطئه های زهر اگین دنیای غرب (یهود ونصاری) فریب خورده رسم وآیین اسلامی را عقب گذاشته واز آیین باطل وخود ساختهٔ آنها پیروی نمایند.

درحالیکه پدران ومادران، برادران وخواهران اسلامی ما در زندان های یهود ونصاری ومزدوران حلقه بگوش شان، مورد تجاوز عساکر وحشی ودرنده صفت قرار دارند.

ای برادران مجاهد ومهاجر! روز عید فرا رسید، درحالیکه شما از نزد پدر ومادر، خویش وقوم خود دور هستید، اما شما را مژده باد که وارثان دین پیامبر صلی الله علیه وسلم هستید.

پس عید تان مبارک باد که مجاهدین ومهاجرین راه الله متعال هستید،الله سبحانه وتعالی در کتاب خویش بندگان مؤمن خود را خطاب میکند:

(قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُواْ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ). "یونس/58"

بهتر از هرچیز فضل ورحمت الله تعالی است که انسان باید در طلب آن باشد مال ومکنت، جاه وحشمت همه درقبال آن هیچ اند.

ابن جوزی در "زاد المسیر" در تفسیر این آیه هشت چیز را ذکر می‌کند که از جملهٔ آنها این است که: «فضل خداوند قرآن است و رحمتش سنت است» و از جمله آنها: «فضل خداوند قرآن است و رحمتش آن است که آنها را اهل قرآن قرار دهد» و از جملهٔ آنها: «فضل خداوند توفیق او و رحمتش عصمت است».

پس به قرآن، سنت و جهاد خوشحال باشید که الله تعالی شما را اهل قرآن و اهل سنت و اهل جهاد قرار داده است.

ای مسلمانان! عید بخشی از ایام سال است که می‌آید و به پایان می‌رسد و پس از عید هر کس به سوی کارهای روزانهٔ خود باز می‌گردد.

بلی؛ عید آمد اما عید در چه حالی؟ عید در حالی آمد که چشمان ما پر از اشک شده است به حال برادران مسلمانی که در افغانستان، فلسطین، چچین، سومالی، عراق، لیبیا، سوریه، الجزائر و غیره مناطق دیگر ..

عید آمد در حالی که بسیاری از فرزندان و برادران درحالت آوارگی و زندان به سر می‌برند، حتی زنان امت نیز از این مصیبت در امان نمانده‌اند. اگر عید از اسلام است؟ آیا عدم درک و بی‌تفاوتی نسبت به حال مسلمانان از اسلام است؟ اگر شما در این روز خوشحال هستید، همه می‌دانند که برخی از مسلمانان در این روز خوشحال نیستند وحتی گریه میکنند .. پس شکایت را فقط به الله متعال می کنیم.

ما نیز همچوسایر مردم آنچه که از فشار، ذلت و سختی که بر سر امت اسلامی می‌آید، می‌بینیم.

یهود و نصاری و مرتدین به امت اسلام هجوم آورده‌اند و امت یا در فقر به سر می‌برد و یا در کفر و چیزی نمانده که فقر نیز به کفر بیانجامد. الله متعال بسیاری از چهره‌ها را پس از آنکه برای مدتها در پس پرده بودند، رسوا و آشکار کرد و برای هر عاقل و خردمند آشکار گردید که این جنگ یک جنگی است که دین ما را قبل از دنیای ما هدف گرفته است.

خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَن تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَلاَ النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ). "بقره/120"

(یهود و نصاری هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این که از آئین تحریف شده و خواستهای نادرست ایشان پیروی کنی).

و می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّواْ شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ. "بقره/216"

فرض شده برشما جهاد وآن ناگوار است برای شما وشاید شما ناگوار دارید چیزی را حال آنکه آن بهتراست برای شما وشاید شما دوست دارید چیزی را وآن شر باشد شما را والله میداند وشما نمیدانید.

یعنی هرچه را که شما درحق خویش مفید ویا مضر میپندارید، حقیقتا چنان نمیباشد، بسیار چیز هاست که شما آن را به زیان خویش میدانید، در حقیقت به فایدهٔ شما میباشد، وآنچه را شما فایده تصور میکنید، آن به ضرر شما است، شما فکر میکنید که در جهاد ضرر مالی وجانی است، ودر ترک جهاد هردو در امن می ماند، شما فکر نمی کنید، که جهاد در دنیا وآخرت فوائد زیادی دارد، واگر این فریضهٔ مبارک را ایفا نکنید چه زیان وخسارات بزرگی است، که به شما عاید میشود، سود وزیان شما را الله تعالی بهتر

میداند وشما نمیدانید، لهذا احکام الهی را حق وسود مند بدانید، واندیشهٔ قاصر خویش را در آن داخل نکنید.

ای مسلمانان! ما شما را درین روز خجسته وپرمیمنت به جهاد در راه الله تعالی فرا می‌خوانیم .. جهاد نه هوا و هوس دوران نوجوانی است و نه به ادعای دشمنان، غلو و افراط و تندروی است، بلکه جهاد، شریعت ربانی و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است.

الله تعالی میفرماید: (يَا أَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا للهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُم). "الانفال/24"

ای مؤمنان! فرمان الله تعالی را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت می‌کند که به شما زندگی می‌بخشد.

علما در تفسیر (لِمَا يُحْيِيكُمْ) می‌گویند: که آن عبارت از جهاد است.

پس؛ ای مسلمانان! خودتان را اصلاح کنید و از پروردگارتان بترسید و عمل صالح انجام دهید، با هم متحد شوید، عقائد و اراده‌های تان را صحیح کنید. در راه الله تعالی یکدیگر را دوست بدارید و بر راه حق با یکدیگر برادری کنید، در راه نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و یکدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی نکنید، به تمسک بر حق و صبر بر آن یکدیگر را توصیه نمائید. از همدیگر جدا نشوید و به یکدیگر کینه نورزید که سست و ناتوان می‌شوید، بزرگی و هیبت شما از میان می‌رود، صبر کنید که الله تعالی با صبرکنندگان است.

ودرآخر از الله سبحانه وتعالی استدعا دارم که عید را برای ما مسلمانان، سبب پیروزی وکامیابی، عزت وکرامت در دنیا وآخرت بگرداند.

و صلَّی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله واصحابه اجمعین.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

"حرکت اسلامی ازبکستان – ادارهٔ جند الله"

# چگونه این دین را حفظ کنیم

الحمدلله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیئات اعمالنا من یهده الله فلامضل له و من یضلله فلا هادی له و نشهد ان لااله‌الاالله وحده لاشریک له و نشهد ان محمداً عبده و رسوله.

همانا اسلام امانتی بر گردن امت اسلامی است وامانتی بر گردن صادقین، موحدین، مؤمنین ومجاهدین راه الله متعال است. امانتی برگردن علماء، فرهنگیان وهمه مردم است. امانتی است بر گردن مردان وزنان، عرب وعجم، انصار و مهاجرین وهمه کسانی که به خدا وروز قیامت ایمان دارند و در روز قیامت در مورد آن از همه پرسیده می شود، روزی که نه دارایی و نه فرزندان نفعی می رساند، بلکه تنها کسی نجات پیدا می کند که با دلی سالم به پیشگاه خداوند متعال آمده باشد.

پس بر همه افراد امت واجب است که بیاندیشند که چگونه از این امانت محافظت کنند و در تبلیغ و جهاد به خاطر آن به پا خیزند تا آن را به نسل های بعدی به بهترین وجه برسانند همان گونه که به ما رسیده است، اگر چه این مسئله ما را دچار خستگی، درد، فداکاری، زندان، شکنجه، غریب، هجرت، تحت تعقیب قرار گرفتن، آوارگی، قتل، دوری از دوستان، خانواده، دوری از دنیا وهر آنچه در آن است، می نماید. تمامی این ها بدین خاطر است که سخن الله، بلند مرتبه و والا مقام باقی بماند وسخن کسانی که کفر کرده اند، پایین وپست گردد. پس این مسئله باید برای تمام کسانی که در هر جا و به هر صورت برای دین خداوند متعال کار می کنند، مشغلۀ ذهنی و قلبی شان گردد تا این که هدفی واحد برای همه امت اسلامی شود و همگی بایک صدا به آن بپردازیم و در همه جا وهمه حال بدون خجالت و با هیچ گونه تردیدی آن را فریاد بزنیم، بلکه حتی باید در حالت خواب و بیداری نیز در مورد چگونگی حفاظت از این دین و اینکه چگونه سر افرازی وعظمنت دو باره آن را به امت مان باز گردانیم، فکر و تأمل نماییم.

کسی که به این مسئله می اندیشد و در آن غرق شده است، یقین دارد که به فدا کاریی بزرگ، تلاشی بسیار وصبری عظیم بر مصیبت ها و مشکلات نیاز است تا انیکه درخت اسلام زنده بماند و هدفی که به آن امید داریم، به واقعیت بپیوندد و به هدفی که همگی برای آن تلاش می کنیم و آن، زندگی در سایۀ دولتی اسلامی است که به شرع حنیف، به کتاب خداوند متعال و سنت پیامبرش صلی الله علیه وسلم حکم می نماید، دست یافته باشیم آن گونه که سلف صالح، علماء، فقها و قضات صادق این امت آن را درک نمودند کسانی که تنها به سخن الله متعال و فرمودۀ پیامبرش صلی الله علیه وسلم گردن می نهادند و نه برای سخن فاسدان وگمراهانی که قوانین باطل و احکام دروغین وضع کرده و با این احکام باطل حقوق بندگان را ضایع و دین ودنیا را به فساد و تباهی کشاندند. و برهمین اساس همگی تلاش می کنیم که حکم تنها از آن خداوند متعال باشد.

**(إنِ الحُكمُ إلَّا لِلَّه). "یوسف/40"**

(فرمانروایی از آن خدا است وبس).

وبا این اندیشه دین را برای خداوند بر پا می نماییم واین چنین آروزهها و اهداف مان را محقق می سازیم، با قرار دادن کلمۀ الله که آن بلند مرتبه و والا مقام ترین است و کلمۀ کسانی که کفر ورزیدند پایین و پست است.

پس باید فداکاری، حرکت و عمل سخت کوشانه برای دین خداوند متعال بدون خستگی، توقف و سکون باشد. همانا پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما از فداکاری، بذل و بخشش برای رسیدن این دعوت مثال ها زده است. چنانچه که او را در پیش خود می بینیم که خارج از طائف، جاهلان وفرومایگان او را دشنام می دهند و او را با سنگ میزنند تا جایی که کفش هایش به خون آغشته می شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم را می بینیم که در کنار کعبه نماز می خواند و بر پشتش شکمبۀ شتران میریزند. عجیب نیست پیامبر صلی الله علیه وسلم را ببینیم در حالی که در صف های اول جنگ در احد است دندانش شکسته است وصورت مبارکش دچار زخم و جراحت شده است. پدر و مادرم فدایش باد و

پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این اذیت و آزار صبر نمودند، نه به خاطر چیزی، مگر بخاطر رساندن این دعوت و ا ین امانت و بر پایی دین همانطور که خداوند متعال او را مسئول نموده بود.

جای تعجب نیست که اصحابش را ببینیم در حالی که باشدید ترین شکنجه ها مواجه می شوندند، آن بلال بن رباح رضی الله عنه است که در سنگلاخ های مکه در گرمای شدید افتاده وبر روی سینه اش سنگی قرار داده اند، در همین حال بدون هیچ ترسی و شکی تکرار می کند به طوری که همه آن را می شنوند: (أحد أحد، أحد أحد). نمونه های این چنین، بی شمار است والگوهای صبر بر بلاء از این نسل بی نظیر، بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد. این نسل بزرگ که تاریخ را با خونشان نوشتند واین دین را به ما به بهترین نحو رساندند، در هیچ راهی فداکاری نمی کردند مگر برای سر افرازی سخن خداوند متعال، دون و پست کردن سخن کافران.

براستی فهم صحیح از این دین  و ایمان راسخ در قلب ها بود که این افراد را برای حمل بار این امانت پروراند و بر اذیت وآزار ناشی از حفظ و تبلیغ آن ایستادگی می نمودند و آنچه که آن ها را به فداکاری هایی مکلف نمود که کوه ها توانایی حمل آن را نداشتند، همین مسئله بود.

سپس به راستی گروهی که در عصر ما هجرت و جهاد نمودند و در راه خدا صبر و فداکاری پیشه نمودند، فهم صحیحی که رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش بر آن بودند را درک کرده اند. آن ها خداوند متعال را آنگونه که شایسته است، شناخته اند و هر آنچه که در اختیار داشتند را فدا کردند و آن ها را می بینیم که به شدیدترین وجه شکنجه می شوند و آوارهٔ شهر ها شده اند، زندانی و تبعید می شوند، دشمنان دین به روش های گوناگون آن ها را شکنجه مید هند و زندان ها و بازداشتگاهایی را در تمام کشور های دنیا برای شان قرار داده اند! وهمانا آن ها را در کیوبا، ابوغریب، بگرام وغیره زندانهای سری، که خدا می داند تعداد شان چقدر است و برای آن ها ساخته شده است، دیدیم و این ستمدیدگان مظلوم انواع درد ها، شکنجه ها، غربت ها و وحشت ها را در آن جا چشیدند! براستی تمام مردم جهان شنیدند آنچه را که آمریکا و یارانش از دولت های غربی وشرقی در باز داشتن مسلمانان از راه الله تعالی و بمباران های کور کورانه وقتل عام زنان و کودکان بی گناه و تخریب خانه ها وایجاد رعب و وحشت در

میان مسلمانان ونیز دیگر روش هایی که برای آزار این گروه مؤمن صابر انجام دادند. فقط به این خاطر با آن ها دشمنی می کنند که می گویند پروردگار ما الله متعال است وبرای حفظ این دین و تلاش برای زنده نگه داشتن و حکمرانی آن و حفظ حرمتش است که تلاش می کنند، تا این فرمودهٔ خداوند متعال را محقق نمایند: (وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاء وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ). "بینه/5"

(در حالیکه جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند، نماز را چنان که باید بخوانند، زکات را (به تمام وکمال) بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس).

پس ای امت اسلام! براستی خداوند متعال جهاد را بر شما فرض کرده است تا بدان شما را زنده نگه دارد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُم لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ). "الانفال/24"

(ای مؤمنان! فرمان خدا را بپذیرید، دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد و بدانید که خداوند میان انسان ودل او جدایی می اندازد (ومی تواند انسان را از رسیدن به خواستها و آرزوهای دل باز دارد و او را بمیراند و نگذارد عمر طولانی داشته باشد که مهمترین آرزوی دل هر انسانی است) وبدانید که همگان در پیشگاه خدای سبحان گرد آورده می شوید (و به حساب و کتابتان رسیدگی می گردد).

پس با جهاد آرزوها و اهداف امت بر آورده می شود و عزت و کرامتش باز می گردد. و الحمد لله می بینیم که نتیجه و ثمرهٔ دعوت به جهاد موجب تحقق یافتن این وضعیت بر زمین شده است و براستی که خداوند متعال آمریکا ودولت های کفر و یارانشان از حاکمان مرتد را در عراق، افغانستان، پاکستان، سومالی، یمن، الجزایر، مالی، نیجیریه، ترکستان، ازبکستان ودیگر سرزمین های مسلمانان، خوار وبی ارزش نموده است. و الحمد لله امت شروع به باز گرداندن سربلندی و تحقق آرزوهایش و بدست آوردن آنچه که برای بلند کردن پرچم دینش نیاز است و باز گرداندن مقدساتش و آنچه که دشمنان خداوند از

حقوق وی سلب کرده اند، نموده است. پس باید همیشه این راه پیموده شود و اهدافش تصحیح گردد و بر شدت اذیت و آزاری که در راه خداوند متعال وجود دارد، صبر شود. خداوند متعال می فرماید:

(وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ). "مزمل/20"

(هر خوبی و خیری را که برای خود پیشاپیش می فرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداش بیشتری خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید، چرا که خدا آمرزگارس و مهربان است).

مؤلف: شیخ عبدالقادر سید (تقبله الله)

مترجم: صادق مهاجر

# داستان مسلمان شدن بعضی از انصار و بیعت عقبه اول

عاصم بن عمرو بن قتاده از شیخهایی از قومش روایت می‌کند که آنها گفته‌اند: هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وسلم با آنها ملاقات نمود، به آنها گفت: «ازچه قبیلۀ هستید»؟ گفتند: جماعتی از خزرج هستیم. فرمود: آیا از همپیمانان یهود می‌باشید؟ گفتند: «بلی، فرمود: آیا نمی‌نشینید تا با شما سخن بگویم»؟ گفتند: چرا.

(راوی) گوید: همراه با پیامبرصلی الله علیه وسلم نشستند، آنگاه پیامبرصلی الله علیه وسلم آنها را به سوی الله دعوت کرد، اسلام را بر آنها عرضه نمود، آیاتی از قرآن را بر آنها خواند، یکی از کارهایی که الله تعالی در رابطه با اسلام با آنها کرد، این بود که یهود با آنها در سرزمینشان بودند، آنها اهل کتاب و علم بودند، اوس و خزرج مشرک و بت پرست، هنگامی که میان آنها چیزی رُخ میداد، یهودیان می‌گفتند: هم اکنون پیامبری مبعوث میشود که زمان بعثت او نزدیک شده است؛ آنگاه به دنبال او میافتیم و همراه با او به گونۀ قتل عاد و اِرم شما را میکشیم.

هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وسلم با آن جماعت صحبت کرد و آنها را به سوی الله عزوجل

دعوت نمود، به یکدیگر گفتند: ای جماعت، بدانید که بخدا، این همان پیامبری است که یهود آن را به شما وعده داده است، نگذارید که قبل از شما به او ایمان بیاورند، لذا، هنگامی که پیامبرص آنها را به سوی الله تعالی دعوت نمود، به او جواب دادند، و اسلامی را که به آنها عرضه نموده بود، از پیامبر صلی الله علیه وسلم قبول کردند، به او گفتند: ما قوم خودمان و قومی را ترک گفتیم که عداوت و دشمنی میان آنها وجود دارد، امید است که الله تعالی بوسیلهٔ تو آنها را با هم متحد گرداند، ما پیش آنها میرویم و آنها را به سوی امر و فرمان تو دعوت میدهیم و این دینی را که پذیرفته‌ایم، بر آنها عرضه میکنیم. اگر الله تعالی آنها را برای تو جمع نماید، مردی باعزت تر از تو پیدا نخواهد شد!

سپس رسول خدا را ترک گفته و با مسلمانی و ایمان داری به سرزمین خود بازگشتند، بنا به آنچه گمان میبرند آنها شش نفر از خزرج بودند، که در میان آنها از قبیلهٔ بنی نجّار وجود داشتند: اسعد بن زراره که همان ابو امامه است، عوف بن مالک بن رفاعه، رافع بن مالک بن عجلان، قطبه بن عامر بن حدیده، عقبه بن عامر بن زیاد و جابر بن عبدالله، (راوی) گوید: هنگامی که به پیش قومشان در مدینه بازگشتند، رسول خدا صلی الله علیه وسلم را برای آنها ذکر نمودند و آنها را به اسلام دعوت کردند، تا جایی که اسلام در میان آنها اشاعه پیدا کردند، بطوریکه خانهٔ از خانه‌های انصار باقی نماند مگر اینکه در آن از رسول خداصلی الله علیه وسلم صحبت شد. تا اینکه در سال بعدی، دوازده نفر از انصار به موسم حج آمدند و در عقبه با رسول خداصلی الله علیه وسلم ملاقات کردند، آن عقبه همان عقبهٔ اول است، آنها بر سر مسایلی که زنان با پیامبرصلی الله علیه وسلم بیعت میکردند بیعت کردند آنهم قبل از آنکه جنگ و جهاد فرض شود.

یعنی: روایت از بیهقی در الدلائل 435 – 2/433، ابونعیم در الدلائل ص 235 وسندش حسن است واین بیعت، بیعتی است که بحثی از جنگ در آن بمیان نیامده است وآن همان بیعتی است که زنان برسر آن معمولا بیعت میکنند، چون جهاد برآنان واجب نیست. واین را الله تعالی اینگونه بیان فرموده است:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ). "ممتحنة/12"

(ای پیغمبر! هنگامی که زنان مؤمن ، پیش تو بیایند و بخواهند با تو بیعت کنند و پیمان بندند بر این که : چیزی را شریک خدا نسازند ، و دزدی نکنند ، و مرتکب زنا نشوند ، و فرزندانشان را نکشند ، و به دروغ فرزندی را به خود و شوهر خود نسبت ندهند که زاده ایشان نیست ، و در کار نیکی (که آنان را بدان فرامی‌خوانی) از تو نافرمانی نکنند ، با ایشان بیعت کن و پیمان ببند و برایشان از خدا آمرزش بخواه، مسلّماً خدا آمرزگار و مهربان است (و مغفرت و مرحمت خود را شامل چنین بانوانی می‌گرداند).

## نکته‌ها و عبرتها:

1ـ در این حدیث یکی از دلایل و نشانه های نبوت پیامبر ما حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم وجود دارد که عبارت است از خبر دادن یهود به وقت بعثت وی صلی الله علیه وسلم.

2 ـ یهود مغضوب علیهم میباشند؛ چون آنها حق را میدانند، ولی بدان عمل نمیکنند. آنها بر مشرکان نوید (مژده) پیروزی میدادند و این نوید پیروزی همان چیزی است که در این حدیث ذکر شده است. و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم که از نژاد عرب بود، مبعوث شد و یهودیان به دیدهٔ تحقیر به عرب می نگریستند، از سر حسادت و کینه توزی به او ایمان نیاوردند، الله تعالی فرموده است: (وَلَمَّا جَاءهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُواْ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَاءهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّه عَلَى الْكَافِرِينَ). "بقره/89"

«وهنگامی که از طرف خداوند کتابی (به نام قرآن توسّط پیغمبر اسلام) به آنان رسید که تصدیق کنندهٔ چیزهائی (همچون توحید و اصول دین و مقاصد آن) بود که با خود (از تورات) داشتند، و (از روی تورات) آن را شناختند و (به صدق محتوایش) پی بردند، ولی (به سبب حسادت و عناد) بدان کفر ورزیدند (زیرا، پیغمبری آن را آورده بود که از بنی‌اسرائیل نبود. گرچه قبلاً (هنگامی که با مشرکان به

جنگ و یا نزاع لفظی برمی خاستند، میگفتند که خدا ایشان را با فرستادن آخرین پیامبری که کتابشان بدان مژده داده است، یاری خواهد داد) وامید فتح و پیروزی بر کافران را داشتند. پس لعنت خداوند بر کافران (چون ایشان) باد».

به همین خاطر مسلمان در همه نمازها به هنگام قرائت سورهٔ فاتحه، دعا میکند که الله تعالی او را از راه و روش یهود بدور بدارد.

3ـ کفر و شرک و معصیت الله تعالی و عدم تمسک به اخلاق اسلامی سبب حصول جدایی و حصول اختلاف است.

4ـ تمسک به اسلام و التزام به احکام و اخلاق آن به عنوان یک التزام صحیح، سبب الفت و از بین رفتن کینه و جدایی و دشمنی میباشد.

5ـ کسی که چیزی از امور اسلام را بداند و نسبت به آن آگاهی کامل داشته باشد، برای او مشروع است به این چیزی که از آن آگاه است، دعوت دهد. و درشخص دعوتگر شرط نیست که از علماء باشد؛ زیرا این یکی از شبهاتی است که شیطان بوسیله آن بسیاری از مسلمانان را از دعوت الی الله دلسرد مینماید، صحیح و درست این است کسی که مسئلهای را بداند، واجب است که به سوی آن دعوت دهد. و به همین خاطر است که این انصار که تازه مسلمان بودند، بعنوان مبلغان و دعوتگرانی به میان قوم خود و اهل دیارشان بازگشتند. الله تعالی فرموده است: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ). "یوسف/108"

«بگو : این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی خدا میخوانم و پیروان من هم (چنین میباشند)، خدا را منزّه (از انباز و نقص و دیگر ناشایست) میدانم، و من از زمرهٔ مشرکان نمیباشم (و کسی و چیزی را شریک خدا نمیانگارم)».

بنابراین هرکسی که از پیامبر تبعیت نموده، بر او واجب است که در رابطه با مسئلهٔ که آگاهانه آن را میداند، به سوی الله تعالی فرا بخواند.

"داستان اسلام صحابه/116"

# مصاحبه با مولوی شفیق الله (بلخی) که درین اواخر از ولایت پروان تشریف آوردند

اداره: محترم مولوی صاحب! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

مهمان: وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته

اداره: محترم مولوی صاحب! نخست خود را به ادارۀ جند الله معرفی نمایید؟

مهمان: اسم من مولوی شفیق الله از ولایت بلخ.

اداره: محترم مولوی صاحب! چگونه شما وارد صحنه های جهاد، در ولایت های شمال شدید، معلومات ارائه نمایید؟

مهمان: من نخست در وزیرستان آمده از نزد استادان حرکت اسلامی ازبکستان تعلیمات نظامی را فرا گرفتم، وبعداز فراگیری تعلیمات بنا به فرمان مسئولین حرکت اسلامی ازبکستان در نزد برادران مجاهد به ولسوالی غوربند ولایت پروان فرستاده شدم، ودر آن جا با برادران مجاهد خود علیه دشمنان اسلام به جهاد خود ادامه دادم.

اداره: محترم مولوی صاحب! در چند ماه که شما درآنجا بودید، از آمار تلفات دشمنان اسلام معلومات دهید؟

مهمان: تقریبا سه ماه درآن جا بودم، الحمد لله از طرف مجاهدین به پیکر دشمنان اسلام تلفات سنگینی وارد گردید.

ما مجاهدین اعم از انصار ومهاجرین یک عملیات را در یکی از پوسته های دشمن راه اندازی نمودیم، وتقریبا 40 دقیقه مقاومت صورت گرفت که بالآخره پوسته به کمک الله تعالی فتح گردید، و درنتیجه 8

عسکر از مزدوران داخلی به قتل رسیدند دومیل پیکا ودوقبضه راکت ومهمات به دست ما به غنیمت افتاد، و ما نیز دو شهید ودو زخمی دادیم. اناالله وانا الیه راجعون

وبعداز آن برادران مجاهد که در ولسوالی تاله وبرفک ولایت بغلان مستقر بودند، که آنها از مسئولین خواسته بودند که برای شان یک استاد ضرورت هست، که سلاح ها را تعلیم بدهد، بدین لحاظ مسئولین مرا مناسب دانسته از ولایت پروان به ولایت بغلان منحیث استاد اسلحه فرستاد، و من در آن جا تقریبا 28 روز با ایشان بودم و30 تن از برادران را چیزی که از استادان نظامی حرکت تعلیم گرفته بودم برایشان تعلیم دادم.

همین بود که مسئول عمومی ولایت پروان به یک تماس تلفونی برایم گفت، که دوباره به ولایت پروان برگردم، بنا به فرمان وی عازم ولایت پروان شدم، که در آنجا دوباره بالای یک پوسته که درآن تقریبا 60 عسکر مزدور افغان مسقربودند، عملیات نمودیم، که درنتیجه با اصابت دوفیر راکت برساختمان پوسته سه عسکر مزدور کشته شدند و یک تانک تخریب گردیده وسه عسکر نیز بالای تانک سوار بودند، کشته شده ودوتن آن زخمی شدند.

اداره: محترم مولوی صاحب! روش ورفتار مردم منطقه با مجاهدین چطور هستند؟

مهمان: الحمد لله روابط مردم با مجاهدین خیلی ها خوب هست، گرچه از طرف رسانه های کفری توطئه های دروغین زیاد است، باوجود آن مردم حقیقت را درک نمودند، واز طرف مجاهدین نیز نشرات، دعوت وتبلیغ با همکاری علماء کرام ادامه دارد.

الحمد لله به برکت دعوت وتبلیغ اذهان مردم خیلی ها خوب شد، شب وروز، با جان ومال به انصاری آماده هستند.

اداره: محترم مولوی صاحب! ودرآخر به امت اسلام چه توصیه دارید؟

مهمان: برای همه واضح واشکار است، که کفار جهان با متحدینش وبه همکاری مرتدین بالای ممالک اسلامی هجوم آورده اند، که دین، ناموس ومقدسات مسلمانان را زیر پا کردند، به پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم تمسخر کردند، قرآن ما را به آتش کشیدند، مادران وخواهران اسلامی

ما را بی عفت کردند، خلاصه هرگونه دشمنی که از دست شان آمد کردند، وهرگونه ظلم واستبدادی که از دست شان آمد بالای امت اسلام روا داشتند.

توصیهٔ من برای امت اسلام این است، که جهاد امروز فرض عین شده است، دیگر منتظر چه هستند، به فرمان الله سبحانه وتعالی لبیک بگویند: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ). "التحریم/9"

(ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است).

تا ازین طریق بتوانیم انتقام دین وناموس خود را از سفاک ترین دشمنان اسلام گرفته ودوباره عزت ازدست رفتهٔ امت اسلام را از آن خود نماییم.

سبحانک الهم وبحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک

"ادارهٔ جند الله "

# مصاحبه با برادر مجاهد قاری محمد که درین اواخر از ولسوالی امام صاحب ولایت کندز تشریف آورده است

اداره: محترم قاری صاحب! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

مهمان: وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته

اداره: محترم قاری صاحب! نخست خود را به ادارهٔ جند الله معرفی نمایید؟

مهمان: اسم من قاری محمد باشندهٔ ولایت بغلان.

اداره: قراریکه معلوم است، شما درین اواخر از میادین جهاد و مقاومت ولسوالی امام صاحب ولایت کندز تشریف آوردید، میشود که از دست آورد های که چند ماه شما درآن جا بودید، معلومات ارائه نمایید؟

مهمان: میخواهم چشم دید خود را به شما بیان نمایم: البته روز دوم ماه مبارک رمضان بود، که سه تن از برادران مجاهد ما هریک محمد محسن، عمار و عبد الله شب را در یک خانهٔ انصار سپری مینمودند، ناگهان مزدوران داخلی حوالی صبح، ایشان را محاصره کردند، همراه برادران مجاهد دو میل کلاشنکوف بود، یکی از برادران به تیلفون های برادران جواب میداد، در آنجا سه – چهار ساعت مقاومت صورت گرفت و برادران دیگری که در اطراف ایشان بودند، توسط وسایل ارتباطی از حادثه خبر شدند. چهل تن از برادران مجاهد فورا خودشان را به کمک برادرانی که در محاصره قرار داشتند، رسانده و بالای دشمنان اسلام با نعره های تکبیر هجوم بردند، دشمن به شکست مواجه شد، درنتیجه دو عراده رینجر دشمن توسط مجاهدین به آتش کشیده شده و سه عرادۀ دیگر باضرب گلوله های مرمی کاملا تخریب گردید، ودر آمار تلفات دشمنان روایت های مختلفی وجود دارد، اما به گفتهٔ داکترانی که در شفاخانه های دولتی کار میکردند، بیست ودو تن کشته و زخمی شدند.

واز برادران مجاهد ما دو تن هریک قومندان حقمل مشهور به معلم و عبدالله گل مشهور به عبدالله راکتی به شهادت رسیده ویک برادر دیگر زخم سطحی برداشت.

اداره: هنگامی که دشمنان اسلام به شکست مواجه شدند بعداز آن هیچ عکس العملی را از خود نشان ندادند؟

مهمان: بعد از آن دشمنان اسلام یعنی اربکی های منطقه دریک جا که بنام تخته پل یاد می شد، جمع شده بودند، بإذن الله مجاهدین از تجمع آنها آگاه شده، وبالای شان هجوم بردند، که درنتیجه آنها پا به فرار نهادند، یک عراده موترسایکل به دست مجاهدین به غنیمت افتاد.

اداره: معاملهٔ مردم منطقه با مجاهدین چگونه هستند؟

مهمان: الحمد لله رویهٔ مردم منطقه با مجاهدین خیلی خوب هست، با جان ومال به انصاری آماده هستند، البته این خدمات علماء کرام هست، که ملت مظلوم ما را از مکر وحیلهٔ دشمنان اسلام واقف ساختند، که امروز علیه آنها با جان ومال خود به جهاد ومبارزه آماده هستند.

اداره: در آن منطقهٔ که شما بودید، فقط مرتدین داخلی بودند، ویا نیروهای خارجی هم بودند؟

مهمان: درآن مناطق اکثرا پولیس ملی واربکی ها بودند، اردوی ملی نیز به کمک آنها میآمد، و خارجی ها موجود نبودند، اما بعداز عملیات دوم، دشمنان اسلام از نیروی های خارجی کمک خواستند، قراریکه ما از زبان مردم منطقه میشنیدیم، خارجی ها از ترس وبیم که مجاهدین اسلام درقلوب شان انداخته بودند، ابا ورزیدند.

اداره: به برادران مجاهد چه نصیحت دارید؟

مهمان: نصیحت من به برادران مجاهد این است، الحمد لله دشمنان اسلام روز به روز به شکست مواجه هستند، در راه جهاد مستحکم وثابت قدم باشید، عزیمت را از دست ندهید، ودر حق من نیز دعا نمایید، چرا که دعای مؤمن به مؤمن به خلوص نیت باشد زود اجابت میشود.

انشاء الله تعالی فتح ونصرت از آن مسلمانان است، شکست ورسوائی برای کافران.

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

"ادارۀ جند الله"

# شهید غیاث الدین (معلم) رحمه الله

شهید غیاث الدین فرزند سراج الدین ازولایت کندز ولسوالی امام صاحب قریهٔ سید حسن.

این برادر در سال 1434 هـ ق در وزیرستان آمده از نزد استادان مجرب حرکت اسلامی ازبکستان تعلیمات نظامی را فراگرفت وبعداز فراگیری تعلیمات نظامی بنا به فرمان مسئولین حرکت دوباره عازم افغانستان شده، درولسوالی امام صاحب ولایت کندز با برادران مجاهد خود یکجا به جهاد و مبارزه آغاز نمود،

وبالآخره قضای الهی بوده که در روز دوم ماه مبارک رمضان سال 1434 هـ ق در یک جنگ روبرویی با پولیس محلی با یک تن از برادر مجاهد خود در ولسوالی مذکور جام شهادت را نوشیدند. اناالله وانا الیه راجعون

# شهید مصطفی (فدایی) رحمه الله

شهید مصطفی (فدایی) رحمه الله فرزند گل زاده از ولایت کندز ولسوالی امام صاحب میباشد.

این برادر نوجوان، یک مجاهد بااحساس، زاهد ودارای اخلاق حمیده بود.

زمانیکه برادرش بشیراحمد مصطفی دوسال قبل در ولسوالی رخۀ ولایت پنجشیر با چهارتن از برادران مجاهد خود عملیات استشهادی نمود، بعداز آن این برادر نیز عزم راسخ نمود، که همچو برادرش در راه الله تعالی جان خود را نثار نماید.

همین بود که در وزیرستان آمده از نزد استادان مجرب حرکت اسلامی ازبکستان تعلیمات نظامی را فراگرفته منتظر عملیات استشهادی بود، که به همین منوال یک سال را سپری نمود.

وبالآخره، الله سبحانه وتعالی ترتیب عملیات وی را برابر ساخت، که در روزشنبه18 ماه مبارک رمضان سال 1434 هـ ق در یکی از مراکز دشمنان اسلام در پاکستان با موتر سایکل عملیات استشهادی نمود، که درنتیجه 55 تن از دشمنان اسلام کشته شده و بیش از 150 تن دیگر زخم برداشتند.

انا لله وانا الیه راجعون

# شهید قاری عین الدین (محمد قاسم) رحمه الله

شهید قاری عین الدین فرزند عاشور علی از ولایت تخار ولسوالی رستاق میباشد.

این برارد مجاهد بعداز سقوط امارت اسلامی افغانستان به عزم فرا گرفتن علوم دینی عازم کشور پاکستان گردیده ودر آنجا در مدارس دینی به دروس خویش ادامه داده تا درجۀ موقوف علیه پیش برد.

وی در دوران تحصلش یکبار به عصر کنونی نظر انداخت که کفار جهان بالای مسلمانان از هیچ نوع ظلم واستبداد دریغ نمیورزند، وجهاد بالای هرفرد مسلمان فرض عین گردیده است.

همین بود که عزم راسخ نموده به ندای الله تعالی لبیک گفت: (انْفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ). "التوبة/41"

«(ای مسلمانان!) به سوی جهاد حرکت کنید، سبک بار یا سنگین بار (جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، غني یا فقیر، پیاده یا سواره،... در هر صورت و در هر حال) با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید».

وبعد! بنا به عزم که کرده بود برای راه یافتن به تعلیمات اعداد راه وزیرستان را پیش گرفت، و در آنجا به صفوف مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ماه مبارک رمضان 1433 هـ ق پیوست، ودر آنجا در نزد استادان نظامی حرکت اسلامی ازبکستان تعلیمات نظامی ازقبیل اسلحه ومتفجرات فرا گرفت، وبعداز فراگیری تعلیمات چند مدت در وزیرستان و در مرکز نظامی حرکت خدمت نمود، وبالآخره مسئولین در سال 1434 هـ ق در نزد برادران مجاهد در ولایت بدخشان فرستادو درآن جا چندمدت با برادران مجاهد خود مصروف امور جهادی بود، وبالآخره قضا وقدر الهی بوده در روز دهم ماه شوال المکرم سال 1434 هـ ق با یک تن از برادر مجاهد خود بعداز فتح سه پوستۀ دشمن در ولسوالی جرم ولایت بدخشان به شهادت رسیدند.

انا لله وانا الیه راجعون

## از نصیحت های شهید:

برادران عزیز! سبب آمدن بنده درین راه مقدس این است: امروز دشمنان اسلام یعنی یهود ونصاری با متحدینش وبا مزدوران داخلی بالای ممالک اسلامی هجوم آورده ومقدسات مسلمانان را زیر پا نمودند، به پیغمبر توهین کردند، قرآن را بی حرمت کردند و به ناموس ما تجاوز کردند، ایمان، غیرت ووجدان اسلامی ام اجازت نداد که در مقابل این عملکرد های دشمنان اسلام آرام بنشینم، بدین لحاظ عزم راسخ نمودم که منحیث یک فرد مسلمان واقعی جهاد را وظیفۀ ایمانی ووجدانی خود دانسته درین راه برآمدم، وقصد کردم که نخست تعلیم اعداد را میگرم وبعد مسئولین جهادی مرا در هر جا روان کند، بدون کدام گفتگو قبول مینمایم.

ای مسلمانان! بیایید به ندای الله تعالی لبیک گفته در جهاد فی سبیل الله بیرون آیید، واز دین ناموس ووطن خود دفاع نمایید، انتقام برادران، خواهران، ومادران خود را از کفار جهان بگیریم، و به دشمنان اسلام نشان دهیم که ما بی غیرت نیستیم وانتقام همۀ این جنایت ها را از دشمنان خواهیم گرفت.

"ادارۀ جند الله"

# شهید محرا ب الدین مشهور به هدایت الله رحمه الله

شهید محرا ب الدین فرزند ملا دین محمد از ولسوالی خان آباد ولایت کندز.

این برادر مجاهد طالب العلم مدرسه بود، ظلم وبربریت دشمنان اسلام را تحمل کرده نتوانست، به خاطر اخذ انتقام دین، ناموس وعزت از دست رفتۀ مسلمانان، کمر همت را بست، همین بود که در اواخر سال 1433 هـ ق عازم وزیرستان شده به صفوف مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان پیوست. ودر آنجا نزد استادان نظامی حرکت، تعلیمات نظامی را فرا گرفت، بعد از فرا گیری تعلیمات، مصمم به عملیات استشهادی شد، بدین ترتیب تقریبا یک سال در وزیرستان به مجاهدین خدمت نمود.

وبالآخره به فرمان مسئولین حرکت به ولسوالی چهاردرهٔ ولایت کندز فرستاده شد، و در آنجا با برادران مجاهد خود به جهاد و مقاومت آغاز نمود، وچند ماه را بدین منوال سپری کرد، ودر یک جنگ جراحت نیز برداشته بود، بعد از صحت یافتن به ولسوالی دشت ارچی رفت، ودر آنجا با برادران مجاهد خود یکجا به جهاد و مبارزه آغاز نمود، وسرآنجام در یک علمیات شبانهٔ دشمنان اسلام در 14 ماه شول المکرم 1434 هـ ق– 30 ماه اسد 1392 هـ ش با یک برادر مجاهد خود جام شهادت را نوشید.

انا لله وانا الیه راجعون

## ازنصیحت های شهید:

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم – اما بعد: قال الله تعالی: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنيَانٌ مَّرْصُوصٌ). "الصف/4"

وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: - وعنْ أنس، رضى اللَّه عنْهُ، أنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِيْنَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وأَلْسِنَتِكُمْ». رواهُ أبو داود بإسناد صحيح.

ای برادران مسلمان! بیرون شوید در راه الله تعالی وجهاد نمایید، انتقام دین، قرآن و پیغمبر خود را از دشمنان اسلام بگیرید، راه جهاد راه عزت است، راه جهاد راه سعادت است، امروز برای مسلمانان یگانه راه؛ راه جهاد است، که دین، ایمان، عقیده، فرهنگ، ثروت واقتصاد شان محفوظ میباشد.

زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به مقام پیامبری مبعوث شدند، الله تعالی ایشان را با قدرت بلا کیف خود معاونت نمود.

الله تعالی دین خود را توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابهٔ کرام رضوان الله علیهم اجمعین، تابعین وتبع تابعین وسلف الصالحین برای ما رساند، واین دین برای ما به آسانی نیامده است، برای این دین رخسار مبارک رسول معظم اسلام صلی الله علیه زخم برداشته ودندان مبارکش شهید شد. صدها صحابهٔ کرام، تابعین وتبع تابعین وسلف الصالحین درین راه جان عزیز خویش را از دست دادند.

ای برادران مسلمان! انشاء الله حق کامیاب است، الله تعالی دین خود را تا امروز حفاظت کرده است، وبعد از این نیز تا قیام قیامت حفاظت میکند، کفار جهان فکر نکنند که اتحاد، غیرت وشجاعت مسلمانان از بین رفته است، نخیر؛ امروز الحمد لله مجاهدین اسلام از هر گوشۀ جهان گرد هم آمده به یک امیر (رهبر مسلمین، قائد المجاهدین ملا محمد عمر مجاهد حفظه الله) بیعت داده علیه دشمنان اسلام میرزمند.

ترجمه آیت فوق: (در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب اند، جهاد می کنند).

از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: «با مال ها و جان ها و زبان های خود، با مشرکان جهاد کنید). "ابوداود"

"احسان الله خراسانی"

# عراق: فرار 6000 هزار زندانی از زندان های ابو غریب و التاجی

بنابر گزارش‌های رسیده از عراق به نقل از حسن حلبوص وزیر دادگستری عراق "زندان‌های ابوغریب و التاجی" در این کشور شاهد حملاتی پیاپی بوده که در نتیجه‌ی آن بین 500 تا هزار نفر از زندان گریخته- اند ."

اما گزارش‌های دقیق حاکی از آن است که تعداد این زندانیان بیش از 6000 نفر بوده‌اند که طی عملیات غرورآمیز مجاهدان موفق به فرار از زندان‌های مخوف رافضیان و نوری مالکی شده‌اند.

ابوبکر الزوبعی یکی از زندانیانی که موفق به فرار از زندان ابوغریب شده در صفحه تویتر خود نوشته است:

ای موحدان دنیا به الله سوگند ما را مجبور می‌کردند ادرار نگهبانان زندان را بنوشیم و کفشهایشان را ببوسیم!! لذا تعجب نکنید اگر آنها را تکه تکه کردیم.

ای مسلمانان به الله سوگند، فریاد برادرانمان را می‌شنیدیم که ناخن‌هایشان را می‌کشیدند و بنده خودم از جملهٔ کسانی هستم که ناخن‌های دست و پایشان کشیده شد.

هیچ ملتی به اندازه‌ی اهل‌سنت عراق مورد شکنجه و خیانت قرار نگرفته، و کسی جز اهل عراق شوکت دجال زمانه یعنی ایران را نخواهد شکست.

به الله سوگند، در زندان ابوغریب کسی که ناظر شکنجه‌ام بود مردی ایرانی بود، و کسی که ناخن‌هایم را کشید مردی ایرانی بود، و کسی که به صحابه و مادرم و خواهرم و دخترم و همسرم دشنام می‌داد مردی ایرانی بود.

به الله سوگند، در شدت حرارت گرمای عراق ما را دست و پا بسته بر صندلی‌های آهنی می‌نشاندند و زندانبان بر روی ما ادرار می‌کرد و ما را مجبور می‌کرد از ادرارش بنوشیم.

به الله سوگند، زندانبان ایرانی آنها را مجبور می‌کرد در شدت گرمای تابستان از آب جوش بنوشند.

روزی زندانبان ایرانی از من پرسید: آیا امیرالمؤمنین علی را دوست داری؟! گفتم: مگر کسی وجود دارد که ایشان را دوست نداشته باشد! ناگهان چنان لگدی به سینه‌ام کوبید که از هوش رفتم.

به الله سوگند، نصف شکنجه‌ای که در زندان دیدم بخاطر اسمم" ابوبکر" بود و به همین سبب هرگاه زندانبان مرا شکنجه می‌داد، به سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه دشنام می‌داد.

زندانبان از من می‌پرسید :چرا ابوبکر خلافت را از علی غصب کرد؟ اگر پاسخش را می‌دادم مرا با مشت و لگد میزد و اگر سکوت می‌کردم باز مرا کتک می‌زد و مجبورم می‌کرد از ادرارش بنوشم.

به الله سوگند، زندانبان مجوسی ما را مجبور می‌کرد به مادرمان عایشه و صحابه ناسزا بگوییم و وای بر کسی که امتناع می‌ورزید، به الله سوگند مردی در پیش رویم امتناع کرد و پس از مدتی جسدش را به خانواده‌اش تحویل دادند.

زندانبان ما را مجبور می‌کرد عکس سیستانی و حکیم و خامنه‌ای و خمینی را ببوسیم و بگوییم ارزش کفشهایشان از صحابه بیشتر است، و به الله سوگند کسی که خودداری می‌کرد کشته می‌شد.

به الله سوگند، زندانبان کمرم را با لگد می‌کوبید و می‌گفت: تقصیر تو نیست! بلکه جزای اسمت "ابوبکر" را باید ببینی.

به الله سوگند، در رمضان گذشته زندانبان ساعت‌ها ما را دست و پا بسته بر روی هم می‌نشاند و می‌گفت کسی که آب بنوشد به زندان برگردانده می‌شود و اگر کسی از اینکه روزه‌اش را بخورد خودداری می-کرد پاسخش را سگ‌هایی که همراهش بودند می‌داد.

زندانبان به هر سببی ما را شکنجه می‌داد، اگر شخصی در عربستان سعودی زندانی می‌شد، اگر ارتش آزاد سوریه پیشرفت‌هایی حاصل می‌کرد، اگر در بحرین اتفاقی می‌افتاد.

هنگامی که رافضی سعودی نمر النمر زندانی شد چنان ما را شکنجه دادند که گویا ما سبب زندانی شدنش بوده‌ایم در حالیکه من برای اولین بار اسمش را از زندانبان می‌شنیدم.

وقتی تعدادی از نظامیان بلندپایه‌ی سوری توسط ارتش آزاد به هلاکت رسیدند، خواب برچشمانمان حرام شد چون تنها چیزی که با آن مواجه بودیم شکنجه و داد و فریاد بود.

هنگامی که تیم ملی عراق در بازی پیروز می‌شد، زندانبان از ما می‌پرسید: آیا خوشحال هستید؟ اگر می-گفتیم: آری !شکنجه می‌شدیم، اگر می گفتیم: خیرا! باز هم شکنجه می‌شدیم.

اتهام برادرتان ابوبکر، روزنامه‌نگاری بود و نوشتن مقالاتی که در آن رأی خود را بیان می‌کرد و در نتیجه چهار سال از عمرم را در دو مرحله در زندان گذراندم که مرحله‌ی دوم به مراتب سخت‌تر و شدیدتر بود.

در زندان ابوغریب با ما مانند موش آزمایشگاهی رفتار می‌کردند، و الله را بر آنچه می‌گویم شاهد می‌گیرم که داروهای مختلفی به ما تزریق می‌کردند و هر گاه از ما خون می‌گرفتند.

بیشترین آزارشان وقتی بود که ما نماز جماعت برپا می‌کردیم، آنوقت بود که صدای نوحه خوانی را از بلندگوها بسیار بلند می‌کردند تا از تمرکز ما در نماز جلوگیری کنند.

هزاران نفر بدون محاکمه در زندان ابوغریب هستند، تنها بسبب اطلاع رسانی غلط جاسوسان اطلاعاتی زندانی شده‌اند، و بیشترین شکنجه‌ها از آن کسانی می باشد که هم اسم صحابه هستند.

جوانی به نام معاویه همراه من در زندان بود، به الله سوگند وقتی وارد زندان شد صحیح و سالم بود ولی اکنون بر روی ویلچر قرار دارد و نمی‌تواند تکان بخورد تنها بخاطر اسمش.

بسیاری از زندانیان آثار عجیبی در بدن خود احساس می‌کنند روزی یکی از آشپزها گفت: در غذاهای شما انواع مختلفی از مواد مخدر اضافه می‌کنند! به همین دلیل همواره احساس ضعف و خستگی می‌کردیم.

زندانبان ما را مجبور می‌کرد همدیگر را بشدت بزنیم و ما بین خودمان اتفاق می‌کردیم که آرام همدیگر را بزنیم، وقتی زندانبان از این اتفاق پشت پرده‌ی ما خبردار شد همه‌ی ما را بشدت شکنجه داد.

"ادارة جند الله"

# حلول ماه مبارک رمضان

چرخهای روزگار می چرخد و زندگی به سرعت در گذر است .. و ما در این ایام چشم انتظار رسیدن مهمان کریمی بودیم .. بله، ماه رمضان از راه رسید .. ماهی که به حقیقت که جانها شوق و اشتیاق آن را دارند و قلبها به سوی آن پر می کشند تا از خیرات و برکات و نفحات آن نصیبی برند .

رمضان، ماه توبه، ماه بازگشت و مغفرت است. و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید :(من صام رمضان إیماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه). "متفق علیه"

هرکس که رمضان را از روی ایمان و به حساب پاداش روزه گیرد، تمام گناهان قبلش آمرزیده خواهد شد .

در این ماه روزه دار به سوی پروردگارش باز می گردد و عهد خود با آفریدگارش را تجدید می کند و به امید بخشش و رضایت او، در طاعات و عباداتش فزونی می بخشد.

رمضان ماه تربیت روح و جسم است و بدن بر صبر و بردباری تربیت داده می شود. روزه دار، در این ماه به امید جلب رضایت خداوند متعال، نفس خود را بر خوردن و آشامیدن و شهوات مباح، در حین روزه اش، صبر و بردباری می دهد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال می فرماید ...:(یتْرُکُ طَعامَهُ، وَشَرابَهُ، وشَهْوتَهُ، مِنْ أَجْلی) "به روایت بخاری"

انسان روزه دار، خوردن و آشامیدن و شهوت و آرزوهایش را بخاطر من ترک می کند .

رمضان ماه قرآن است .. در این ماه قرآن نازل گشت و راهنمایی گردید برای جهانیان ..و در این ماه در اثنای شب و در طول روز قرآن تلاوت می گردد .

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیَ أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ) "بقره/185"

رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق و حقیقت) باشد و (میان حق و باطل در همه ادوار ) جدایی افکند.

در رمضان، جلوه های رحمت و برابری و برادری میان مسلمانان، با باشکوه ترین شکل خود تجلی می یابد .. زمانی که ثروتمند و فقیر، بالا مقام و صغیر و قدرتمند و ضعیف در عبادتی یکسان و در زمانی واحد، مشارکت می نمایند موجب الفت و دوستی قلب ها، و درک هرآنچه دیگری احساس می کند خواهد شد و آنان را به ترحم و مهربانی در میان خود، فرا می خواند..

رمضان ماه بخشش و سخاوت، خیرات و زکات فطر است و براستی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در رمضان از هر وقت دیگر بخشنده تر بودند .. و همچون کسی بخشش می نمودند که هیچگاه از فقر ترسی ندارد. جابر رضی الله عنه می فرماید: هیچگاه چیزی از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواسته نشد که جواب رد بدهند.

و رمضان ماه جهاد است .. این فریضه ای که از زندگی بسیاری از مسلمانان غائب گشته و چنان از آن دور گشته اند که گویی از احکام منسوخ این دین می باشد. دوری از جهاد، سببی برای مجازات قدریه خداوند متعال گشته است که «خواری و پستی ای را بر شما چیره می سازد که آن را بر نخواهد داشت مگر اینکه به دینتان بازگردید.»، [1] و «پروردگار تو نسبت به بندگان ظلم کننده نیست.»[2 ]رمضان

ماه فتوحات و پیروزی ها و جنگ های سرنوشت ساز در تاریخ امت اسلامیمان است. رمضان ماه بدر و فتح مکه و عین جالوت و حطین و... است.

و در این خصوص تاریخ گذشتگانمان، بسی بزرگ و قابل تمجید است.

اما زمان حالمان، با اختلاف زیادی دگرگون گشته و زخم ها و دردهای بی شمار امت تمامی ندارند و تخلفات و نواقض در حال گسترش است و دعوت کنندگان بر سر این سفره برای له کردن و بلعیدن این امت، از شرق تا غرب، افزایش یافته است .. سرزمینمان مورد غارت قرار گرفته است و غیرت و ناموسمان مورد بی حرمتی قرار گرفت و امت ضعیف و ناتوان و سرگردان وگمراه شده است .. نمی دانم این جریانات را به چه کسی نسبت دهم، آیا از جانب دشمنان این امت، از کافران یهود و نصاری و بی دینان و گاو پرستان است؟ یا از مرتدین سلطه طلب و زورگویی که به دروغ و بهتان خود را به این امت منتسب نموده اند، مانند مسیلمه کذاب و سجاح و الأسود العنیسی از معاصرین؟ یا از فرزندانی که رسالت نجات و آزادی به آنان محول شده است؟ این چنین راههایشان مختلف گشته است و هوا و آرزوها آنها را دچار نزاع و درگیری کرده است و به همین دلیل است که پیروزی و تمکین امت، برچیده شده است.

پس اگر با من هم نظری، این حقیقتی است که در پیش رویت قرار دارد .. آن از چچن که با خاک یکسان شده است، افغانستان که محاصر شده است، کشمیرکه مورد تجاوز قرار گرفته است، و جزیرۀ العرب که اشغال شده است، و آن از فلسطین که همچنان زیر سلطه یهودیان اشغالگر از نسل میمون و خوک است و آن از مصر و همسایه های اطرافش که از ظلم و استبداد و شکنجه طواغیت، به خداوند متعال شکایت می نمایند.

اما با وجود شدت این تاریکی های غم انگیز و این وقایع دردناک، امیدها و آرزوهایی در طلوع دوباره خورشیدی که انتظار آمدنش به طول کشید، برای ما شکل گرفته است .. و به راستی که مژده های آن را در جوانان مسلمان و صالحی که ذلت و ظلم و ستم در حق این امت را قبول نکردند، دیدیم .. جوانانی که خواهان بازگشت به سوی عزت و کرامت گذشتگان و بزرگان خود می باشند .. به پا خواسته اند تا

غبار خواری و ذلت را از آن بزدایند .. از خویشان و نزدیکان خود دور گشته اند .. و راه عزت و پیروزی را در بلندی قله این دین (جهاد) جست وجو می کنند .. و زبان حالشان چنین بیان می دارد:

ترکت الدار دار أبی وأمی        وعفت الأهل مع خالی وعمی

سرزمین پدری و مادریم را ترک کردم و از خانواده و دایی و عموهایم دوری نمودم

وأعلنت الجهاد لأجل دینی        وقاتلت الطغاة طغاة قومی

و برا ی دفاع از دینم اعلان جهاد نمودم و به مبارزه بر علیه طواغیت و سرکشان قیام کردم

وحبی للجهاد یفوق حبی        لأوطانی، ونصر الدین همی

جهاد را بیشتر از هر چیز دیگری دوست دارم و برای سرزمینم و پیروزی دینم تلاش می کنم

ومرضاة الإله ببذل روح        ومرضاة الإله تزیل غمی

روح و جانم را در برابر رضایت الله می بخشم و رضایت و خوشنودی الله غم هایم را خواهد زدود

بنابراین ای برادرانم به سمت راه عزت بشتابید و در ماه خیرات و مغفرت بر توشه خود بیافزایید و برای جلب رضایت خداوند متعال عمل نمایید. و به یقین که خداوند متعال، قبول و جواب آن را به بهترین شکل برایتان می نویسد.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ). "محمد/7"

ای مؤمنان! اگر (دین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند (و بر دشمنان پیروز می گرداند) و گامهایتان را استوار می دارد (و کار و بارتان را استقرار می بخشد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (إذا دخل شهر رمضان فتحت أبواب السماء، وغلقت أبواب جهنم، وسلسلت الشیاطین). "رواه بخاری"

هنگامی که ماه رمضان می آید، درهای آسمان، گشوده می شوند و درهای جهنم، بسته می شوند و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند.

"مجلة المجاهدون"

# روزۀ شش روز از شوال

الحمد لله وحده، و الصلاة و السلام على من لا نبی بعده، و على آله و صحبه و من تبعه،و بعد:

امام مسلم وغیره از ائمة حدیث – رحمت الله علیهم اجمعین – از ابوایوب انصاری – رضیالله عنه – روایت کردهاند که رسولالله – صلیالله علیه وسلم – فرموده است :«من صام رمضان ثم أتبعه ستا من شوال كان كصيام الدهر».

هرکه ماه رمضان را روزه بگیرد، سپس در پی آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد؛ همچون روزه داشتن همۀ سال میبوده باشد).

(صحیح مسلم–3/169 شماره: 2815).

و امام نسائی و غیره از حدیث ثوبان – رضی الله عنه – روایت کردند که رسول الله – صلی الله علیه وسلم – فرمود :«جعل الله الحسنة بعشر أمثالها فشهر بعشرة أشهر وصيام ستة أيام بعد الفطر تمام السنة».

الله متعال یک حسنه را به ده برابر گردانیده است، بناءً یک ماه (ماه رمضان) برابر به ده ماه بوده، وشش روز بعد از فطر را روزه گرفتن یک سال را پُوره میسازد.

صحیح الترغیب والترهیب (1/243 شماره: 1007).

و در لفظی چنین آمده است: «صيام شهر رمضان بعشرة أشهر، وصيام ستة أيام بشهرين فذلک صيام السنة».

روزه داشتن ماه رمضان برابر به ده ماه بوده، وروزه داشتن شش روز برابر به دو ماه میباشد، اینست روزه گرفتن همۀ سال. " همان مرجع سابق"

## فضیلت روزه گرفتن شش روز ازشوال:

1– چنانچه گذشت او روزۀ یک ساله را تمام میسازد.

2- نشانۀ محبت و رغبت در طاعت است، چون انسان مسلمان بعد از آنکه یک ماه رمضان را روزه گرفت؛ آنچه بر او فرض بود ادا شد و از عهدۀ او بیرون شد، باز هم او بالای آن شش روز دیگر را – که روزه گرفتن آن بر او واجب نیست – به اختیار و رغبت خود بخاطر رضای الله و بدست آوردن اجر و ثواب؛ روزه می گیرد.

3- روزه گرفتن شش روز از شوال مانند سنن رواتب نمازها است، که کمبودی فرض را پُوره می‌سازد، و همه می‌دانیم که در روزۀ ما در ماه رمضان حتمًا چیزی از کوتاهی و خلل وارد شده است که نیاز به تکمیل کردن دارد.

4- نشانۀ قبولیت و پذیرفتن روزۀ ماه رمضان است، چون یکی از نشانه‌های قبول آن است که در پی طاعت، طاعت دیگری انجام دهد.

5- یک نوع شکر و سپاسگزاری است آن ذات بلند و والا را که بندۀ خود را کمک ویاری بخشید تا اینکه یک ماه رمضان را کاملاً روزه گرفت، واگر لطف و مهربانی اوتعالی نمی‌بود، هرگز این بندۀ ضعیف و بیچاره نمی‌توانست که یک روز را روزه بگیرد، چه رسد که یک ماه را روزه بگیرد.

این شش روز از چه وقت آغاز گردیده و چه وقت به پایان می‌رسد؟

این شش روز از روز دوم شوال آغاز گردیده و تا آخرین روز شوال دوام دارد. چون روز اول شوال عید فطر است که آن روز را روزه گرفتن جایز نیست، و در حدیث ثوبان - رضی الله عنه – گذشت که«وصیام ستة أیام بعد الفطر».

## آیا لازم است که این شش روز را پیاپی روزه گرفت؟

خیر، می‌تواند این شش روز را پیاپی روزه گرفت و می‌تواند آنها را جدا جدا روزه گرفت، چون مقصود آنست که از ماه شوال شش روز را روزه گرفته شود، برابر است که از اول ماه باشد یا از میان و یا از آخر آن، چه پیاپی باشد و چه جدا جدا، به اینگونه که یک روز روزه بگیرد و یک روز بخورد، یا اینکه دو و یا سه روز روزه بگیرد باز چند روز بخورد باز باقی ایام آن شش روز را روزه بگیرد. مهم آنست که شش روز را پُوره کند.

## بهتر چیست؟

بهتر آنست که این شش روز را هرچه زودتر بعد از روز عید و پیاپی روزه بگیرد، چون در شتابیدن به روزه گرفتن این روزها انسان مسلمان خیر بیشتری را حاصل می‌کند، مثلاً:

1- سبقت و پیشی گرفتن به کارهای نیک، که الله متعال بندگان خود را به سوی آن فراخوانده است: «فاستبقوا الخیرات» - (به سوی نیکیها بشتابید و در انواع خیرات بر یکدیگر سبقت بگیرید). و همچنان پیشوای ما جناب رسول‌الله – صلی الله علیه وسلم – امتیان خود را بر آن تشویق کرده فرموده است: «بَادِرُوا بِالأَعْمَالِ فِتَنًا كَقِطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا».

صحیح مسلم (76/1 شماره: 328).

بشتابید به انجام اعمال (صالحه) پیش از آنکه فتنه‌هایی ظاهر شود مانند پاره‌های شب تاریک، که یک انسان صبح می‌کند در حالی‌که مؤمن است و بهنگام شام کافر می‌شود، و شب را مؤمن می‌گذراند و صبح کافر می‌گردد، دین خود را در برابر متاع کمی از دنیا می‌فروشد.

2- از گرو «تسویف» و پس انداختن کارهای نیک رهایی می‌یابد، چون یکی از اسلحهٔ بزرگ شیطان در برابر انسان مؤمن و محروم ساختن وی از خیر همانا «تسویف» است، یعنی اینکه انسان مؤمن وقتی که بخواهد بر کار خیری اقدام کند؛ شیطان برای او می‌گوید: حالا لازم نیست، فردا یا دیگر فردا آنرا انجام خواهی داد، باش روز دوشنبه بیاید، باش مهمانی‌ها خلاص شود، باش هوا سرد شود،،،، تا اینکه ماه شوال به پایان می‌رسد و او هنوز روزه نگرفته است، و یا اینکه او گرفتار چیزی می‌شود که این فرصت را از او فوت می‌کند، از اینجاست که پیامبرمان – صلی الله علیه وسلم – فرموده است: «اغتنم خمسا قبل خمس: شبابک قبل هرمک، و صحتک قبل سقمک، و غناک قبل فقرک، و فراغک قبل شغلک، و حیاتک قبل موتک».

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان: جوانی‌ات را پیش از پیری‌ات، جانجوری‌ات را پیش از بیماری‌ات، و دارائی‌ات را پیش از بینوائی‌ات، و بیکاری‌ات را پیش از مشغولیت، و زندگی‌ات را پیش از مرگت.

مستدرک حاکم (341/4) و نگاه: صحیح الترغیب والترهیب (168/3 شماره: 3355).

3- اگر به آن بشتابد و آنرا پیاپی روزه بگیرد؛ صادق‌تر و نزدیکتر به فرمودۀ پیامبر – صلی الله علیه وسلم – می‌باشد که: «ثم أتبعه ستـاً من شوال».

سپس در پی ماه رمضان شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد.

در حالی‌که بر انسان چند روز از ماه رمضان باقی مانده باشد، آیا می‌تواند این شش روز را پیش از قضا آوردن آن روزها روزه بگیرد، چون وقت این شش روز مقیَّد به ماه شوال است و قضا آوردن ماه رمضان وقتش موسَّع است؟

بله، بعضی از علماء گفتند: باکی ندارد اینکه روزۀ این شش روز را بر قضای رمضان مقدَّم سازد، ولی بهتر آنست که اول قضای روزهای رمضان را بجا آورد.

و برخی دیگری از علماء گفتند: این درست است که انسان پیش از قضای رمضان روزۀ نفلی بگیرد، ولی در خصوص روزۀ این روزهای ششگانه نباید آنرا بر قضای رمضان مقدَّم داشت، چراکه رسول الله – صلی الله علیه وسلم – اجر و پاداش آنرا مقیَّد به این گردانیده است که بعد از روزۀ ماه رمضان صورت بگیرد، چون فرموده است: «من صام رمضان ثم أتبعه ستًّا من شوال».

هرکه ماه رمضان را روزه بگیرد، سپس در پی آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد. و کسی که بر عهده‌اش چند روز از ماه رمضان باقی مانده باشد؛ در حق او گفته نمی‌شود که ماه رمضان را روزه گرفته است، بناءً باید در ابتدا ماه رمضان را کامل کند بعداً این شش روز را روزه بگیرد تا کار او موافق فرمودۀ رسول الله – صلی الله علیه وسلم – باشد، و همچنان قضای رمضان واجب بوده و روزۀ این شش روز سنت است، و واجب بر سنت مقدَّم است.

و چنانکه می‌بینی این قول دوم راجح‌تر است.

اگر فرض کنیم که یک شخص همهٔ ماه رمضان را روزه گرفته نتوانست به سبب بیماری و یا عذر شرعی؛ و حال اگر بخواهد بعد از رمضان در ابتدا قضای رمضان را بجا آورد، وقت این شش روز فوت می‌شود، در این صورت چه باید کرد؟

باید در ابتدا قضای ماه رمضان را بیاورد، و اگر از عادتش آن بود که هر سال این شش روز از شوال را روزه می‌گرفت؛ الله متعال اجر و ثواب روزه گرفتن آن شش روز را برایش به فضل و کرم خود عطا می‌فرماید، گویا که آن روزها را روزه گرفته باشد، امام بخاری در صحیح خود (2834) روایت کردند که رسول الله – صلی الله علیه وسلم – فرموده است: «إذا مرض العبد أو سافر كتب الله له ما كان يعمل مقيماً صحيحاً».

اگر بنده بیمار شود و یا این که مسافر شود (و از برخی از کارهای خیر که همواره آنرا انجام می‌داد، عاجز ماند)؛ الله متعال آنچه را که در جانجوری و اقامت خود انجام می‌داد، برایش می‌نویسد.

اگر از عادتش روزه گرفتن این روزها نبود و بخواهد آنها را بعد از قضا آوردن ماه رمضان و فوت شدن ماه شوال روزه بگیرد، آیا این اجر و پاداش را کمایی کرده می‌تواند؟

بله، گرچه بعض علماء گفته‌اند: که اگر ماه شوال فوت شد؛ وقت آن فوت می‌شود، و کسی نمی‌تواند به نیت شش روز از شوال روزه بگیرد، چون این یک سنتی است که محل و وقت آن درگذشته است.

لیکن گروه دیگری از علماء گفته‌اند: در این مسئله تفصیلی وجود دارد، و آن هم از این قرار است که اگر این شخصی که ماه شوال از نزد وی فوت شده است، اگر معذور نبود و سبب فوت شدن این روزها کوتاهی و بی‌اعتنائی وی بود؛ در این صورت برای وی قضا آوردن آن روزها مشروع نیست، و برایش گفته می‌شود: محل و وقت این سنت در حق تو فوت شده است. اما اگر او معذور بود و به سبب عذری که داشت نتوانست این شش روز را روزه بگیرد؛ پس می‌تواند آنها را قضا بیاورد و ان‌شاء الله برایش همان اجر وپاداشی که در حدیث آمده است، داده می‌شود، قیاساً بر سنت راتبه اگر به سبب عذری وقت آن فوت شود؛ در غیر وقتش می‌تواند آنرا قضا بیاورد.

اگر کسی بخواهد هم روزهای قضایی خود را و هم شش روز از شوال را یکجا نیت کرده روزه بگیرد، به این معنی که او یکی از آنها را ضمن دیگر داخل کند، آیا درست می‌گردد یا خیر؟

خیر، داخل کردن روزۀ شش روز از شوال ضمن روزۀ قضایی رمضان درست نیست، چراکه هریک از خود نیت خاص دارد، و یکی در دیگری داخل نمی‌شود، وهمچنان – قراری که گذشت – روزۀ شش روز از شوال مقیَّد به آنست که بعد از روزه گرفتن ماه رمضان کاملاً صورت بگیرد، وکسی که بر وی قضایی رمضان باشد؛ هنوز وقت روزۀ شش روز از شوال در حق وی شروع نگردیده است، اضافه بر آن، روزۀ قضایی واجبی است که باید آنرا به نیت کامل ساختن ماه رمضان روزه گرفت، و روزۀ شش روز از شوال نفلی است که آنرا باید به نیت نفلی و حاصل کردن اجر و پاداشش روزه گرفت. به هرحال نباید یکی از این دو در دیگری داخل کرده شود.

آیا زن مسلمان می‌تواند این شش روز را بدون اجازۀ شوهرش روزه بگیرد؟

زن مسلمان بدون اجازۀ شوهرش نمی‌تواند روزۀ نفلی بگیرد، برابر است که روزۀ شش روز از شوال باشد و یا غیره از روزه‌های نفلی، مگر در حالی که: شوهرش مسافر باشد و یا اینکه نیازی به او نداشته باشد وروزۀ او باعث کوتاهی و سستی در خدمت وی نمی‌شده باشد، چون خدمت شوهر واطاعت از او در غیر معصیت؛ واجب است و واجب را بخاطر نفل ترک کردن جایز نیست.

امام بخاری و مسلم و غیرهما از ابوهریره – رضی الله عنه – روایت کردند که جناب رسول الله – صلی الله علیه وسلم – فرموده است: «لا يحل للمرأة أن تصوم وزوجها شاهد إلا بإذنه ولا تأذن في بيته إلا بإذنه». و در روایتی نزد امام احمد و غیره آمده است: «إلا رمضان» برای زن حلال نیست اینکه روزه بگیرد در حالی که شوهرش حاضر بوده باشد مگر به اجازه شوهرش – جز در ماه رمضان –، و نه اینکه در خانۀ شوهرش کسی را اجازه بدهد مگر به اجازه شوهرش.

صحیح بخاری(5/1994 شماره: 4899) ومسند امام احمد (2/476 شماره: 10171).

و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله وصحبه اجمعین.

"برهان الدین"

# از صحنه های جهاد

**دو عراده رینجر پولیس محلی در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز کاملا ازبین رفتند**



21 سرطان 1392: پولیس محلی ولسوالی امام صاحب ولایت کندز 5 تن از مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان را در یک خانه ودر نزدیکی سرحد تاجکستان محاصره نمودند، که مجاهدین قبل از ورود آنها به داخل خانه آگاه شده وهنگام داخل شدن بالای آنها گلوله باری کرده و5 تن آنان را از پا در آوردند، دیری نگذشته بود که مجاهدین امارت اسلامی افغانستان به کمک برادرانشان رسیده وارد صحنهٔ جنگ شده وبرادران مجاهد را به اذن الله تعالی از محاصرهٔ دشمنان اسلام آزاد ساختند. که در نتیجه 10 تن از دشمنان اسلام کشته وزخمی گردیده و دوعراده رینجرشان کاملا از بین رفتند، ودوتن از برادران مجاهد نیز به شهادت رسیده ویک دیگرش زخم سطحی برداشته است.

**در حملهٔ راکتی طیارهٔ بی پیلوت امریکایی در وزیرستان شمالی 4 تن از مجاهدین اسلام به شهادت رسیدند**

22سرطان 1392: ناوقت روز شنبه یک طیارهٔ بی پیلوت امریکایی در نزدیکی شهر میر علی ودر منطقهٔ موسکی یکی از مراکز مجاهدین اسلام را با همکاری جاسوسان منطقه مورد هدف خود قرارد داد، که در نتیجه چهار تن از سربازان اسلام به شهادت رسیدند. انا لله وانا الیه راجعون

**مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت زابل بالای کاروان دشمنان اسلام هجوم بردند**

24 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت زابل بالای کاروان دشمنان اسلام هجوم برده و تلفات سنگین را به آنها وارد ساختند، وبعض عساکر دشمن موفق به فرار وبعض شان مورد هدف برادران مجاهد قرار گرفتند واز آمار دقیق تلفات دشمنان، معلومات در دسترس نیست.

**زابل: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان بالای کاروان دشمنان اسلام هجوم بردند.**

24 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان درولایت زابل بالای کاروان عساکر دشمن هجوم بردند، که در نتیجه چند تن از عساکر دشمن کشته وزخمی گردیدند، وبعد، برای نجات آنها نیروهای خاص به کمک شان آمدند، و مجاهدین نیز آنها را توسط راکت، پیکا و درازنوف مورد هدف قرار داده و چند تن آنان را نیز به هلاکت رساندند.

**ننگرهار: در دو عملیات جداگانۀ درازنوف یک عسکر اردوی ملی و یک پولیس محلی کشته شدند.**

24 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت ننگرهار یک عسکر اردوی ملی و یک عسکر پولیس محلی را مورد هدف درازنوف قرار داده به قتل رساندند.

**مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت زابل بالای کاروان دشمنان اسلام هجوم بردند**

24 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت زابل بالای کاروان دشمنان اسلام هجوم برده و تلفات سنگین را به آنها وارد ساختند، وبعض عساکر دشمن موفق به فرار وبعض شان مورد هدف برادران مجاهد قرار گرفتند واز آمار دقیق تلفات دشمنان، معلومات در دسترس نیست.

**چهار تن از عساکر پولیس محلی درولسوالی دشت ارچی ولایت کندز کشته شدند**

24 سرطان 1392: مجاهدین اسلام، چهار تن از عساکر پولیس محلی را که در حال سوار بر موترسایکل بودند، در منطقۀ شاه روان ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز مورد هدف ماین جاسازی شده قرار دادند، که در نتیجه هرچهار آنها کشته شده وموتر سایکل شان نیز کاملا ازبین رفتند.

**یک عسکر پولیس محلی در ولسوالی چهاردره ولایت کندز کشته شد**

26 سرطان 1392: مجاهدین اسلام یک عسکر پولیس محلی را که در حال عبور از ساحۀ مجاهدین بود، شناسایی کرده وسپس در منطقۀ سرک بالای ولسوالی چهاردره ولایت کندز به قتل رسانده است.

**کندز: درولسوالی چهار درۀ ولایت کندز یک قومندان اربکی کشته شد**



28 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولسوالی چهاردرۀ ولایت کندز موتر یک قومندان اربکی (ابراهیم) را مورد هدف ماین جاسازی شده قرار دادند، که در نتیجه قومندان مذکور کشته شد.

**کندز: در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز چهار ضابط پولیس ملی با دو عسکر دیگر کشته شده و 6 تن دیگر زخم برداشتند.**

28 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان درمنطقۀ پل مدیر ولسوالی امام صاحب ولایت کندز یک گروه پولیس ملی را مورد هدف کمین خویش قرار دادند، که در نتیجه چهار ضابط با دوعسکر کشته شده و 6 شش تن دیگر زخم برداشتند.

**کندز: درولسوالی امام صاحب ولایت کندز یک عسکر دشمن کشته شده و 8 تن دیگرشان زخم برداشتند.**

29 سرطان 1392: شب گذشته مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در نزدیکی جنگل ولسوالی امام صاحب ولایت کندز با عساکر دشمنان اسلام درگیر شدند، که در نتیجه از دشمنان اسلام یک تن کشته شده و 8 تن دیگرشان زخم برداشتند. ویک عراده موتر سایکل را نیز غنیمت گرفته است.

**کندز: در نزدیکی شهر قندز ودر منطقۀ زاخیل چهار پولیس کشته شدند.**




30 سرطان 1392:مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان درنزدیکی شهر قندز ودر منطقۀ زاخیل یک عراده رینجر پولیس ملی را مورد هدف ماین قرار دادند، که در نتیجه چهار پولیس کشته شده و رینجر کاملا ازبین رفته است.

**مجاهدین مالی، بالای زندان نیامی هجوم بردند، که در نتیجه 30 تن از مجاهدان زندانی آزاد گردیده و 166 تن از عساکر دشمن به قتل رسیدند.**

چهارشنبه, 02 اسد 1392 ساعت 16:17: جماعت أنصار الدین مالی در صفحه رسمی خود در توییتر از حمله مجاهدان این جماعت به زندان نیامی برای آزادسازی زندانیان آن خبر داد .

براساس این گزارش مجاهدان مالی زندان نیامی را به تسلط خود در آوردند و توانستند 30 تن از مجاهدان را که در این زندان زندانی شده بودند آزاد نمایند.

در حمله مجاهدان به این زندان دستکم 166 تن از نیروهای دشمن که اکثریت آنها را افسران و مربیان فرانسوی تشکیل می‌دادند به هلاکت رسیده و مجاهدان بر انبارهای وسیعی از سلاح و مهمات تسلط یافتند.

**ننگرهار: دوتن از مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در حملات هوایی ناتو در ولایت ننگرهار به شهادت رسیدند.**

پنجشنبه: 03 اسد 1392: دو تن از برادران مجاهد هریک صفی الله و محمد ایوب هنگام صبح در کمین رفته بودند که با درازنوف عساکر دشمنان اسلام را در پوسته هایشان مورد هدف قرار دهند، اما از طرف دشمنان جای ایشان افشا گردیده بود، که نیروهای خارجی با 8 بال هلیکوپتر های جنگی بالای این دو برادر چاپه انداختند، که ایشان را زنده دستگیر نمایند، اما ایشان مقاومت نمودند، که در نتیجه صفی الله شهید گردیده و محمد ایوب نخست زخمی شده وچند مدت با تفنگچه در حالت زخمی مقاومت نموده سپس به درجۀ رفیع شهادت نایل آمد. انا لله وانا الیه راجعون

**بغلان: یک قومندان اربکی بنام خلیل کشته شد**

جمعه، 04 اسد 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان یک قوندان اربکی را که سرپرستی 100 تن ازعساکر اربکی را به عهده داشت به قتل رساند.

**کندز: 7 تن از عساکر دشمن در ولسوالی چهاردره ولایت کندز کشته شدند.**

یکشنبه: 6 اسد 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان یکجا با عساکر دشمنان اسلام در ولسوالی چهار درهٔ ولایت کندز درگیر شدند، که درنتیجه 7 تن از عساکر دشمن به قتل رسیدند.

**طالبان پاکستان به زندانی در شمال‌غرب این کشور حمله نمودند و....**

سه شنبه, 08 اسد 1392 ساعت 11:05: به گزارش مقام‌های پاکستان امروز سه‌شنبه هشتم اسد، مجاهدان طالبان پاکستان به زندانی در شمال‌غرب این کشور حمله نمودند و بیش از ۲۳۰ زندانی که بیشتر آنان را مجاهدان تشکیل می‌دهند، از زندان آزاد نمودند. لازم به ذکر است که این آمار از سوی خود مقامات اعلام گردیده و مطمئنا تعداد واقعی زندانیانی که از این زندان موفق به فرار شده‌اند بسیار بیشتر از این تعداد می‌باشد.

بنا به گزارش خود رسانه‌های پاکستان زندان »دیره اسماعیل خان» که مورد حمله مجاهدان قرار گرفته است، نزدیک به پنج هزار زندانی در خود دارد که بیشتر آنان را مجاهدان تشکیل می‌دهند.

مقامات پاکستانی می‌گویند در حمله مجاهدان به نیروهای امنیتی این زندان ۱۲ تن کشته شده‌اند.

زندان مرکزی «دیره اسماعیل خان» در شهری به نام اسماعیل خان در ایالت مرزی در شمال پاکستان در نزدیکی مرز آن کشور با افغانستان قرار دارد؛ منطقه‌ای که «تحریک (جنبش) طالبان پاکستان» در آن فعالیت گسترده‌ای است.

روزنامه «داون» چاپ پاکستان می‌گوید مجاهدان به سلاح‌های سنگین مجهز بوده و در لباس پلیس به زندان حمله کرده‌اند.

به گزارش برخی خبرگزاری‌ها شهیدالله شهیدی، یکی از سخنگویان طالبان در گفت‌وگو با «داون» ضمن آنکه مسئولیت این عملیات بزرگ از سوی جماعت طلبان را بر عهده گرفته، بیان نمودند که نزدیک به ۱۰۰ مجاهد در این عملیات شرکت داشته‌اند.

سخنگوی طالبان همچنین تأکید کردند که این «عملیات موفقیت آمیز بوده و به آنچه برای آن برنامه ریخته بودند دست یافته‌اند.«

سال گذشته نیز حمله مشابهی از سوی مجاهدان غیور جماعت طالبان پاکستان به زندان بنو در همین منطقه انجام گرفت  که در پی آن بیش از 900 زندانی موفق به فرار شدند.

**کندز: درولسوالی چهارده چهار عسکر آلمانی کشته شدند**



دوشنبه، 14 اسد 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولسوالی چهاردره ودر منطقهٔ سرک بالا یک عراده تانک نیروهای آلمانی را توسط ماین منفجر ساختند، که درنتیجه تانک تخریب گردیده وچهارتن از عساکر آلمانی در آن کشته شدند.

**در اثر یک انفجار در ولایت تخار 19 تن از ملیشه های اربکی کشه و زخمی شدند**

چهارشنبه 23 اسد 1392: حوالی ساعت 12 بجه امروز در مرکز ولسوالی خواجه بهاؤالدین ولایت تخار، در میان موجی از ملیشه های اربکی انفجار شدیدی رخ داد، که درنتیجه 5 تن از ملیشه های اربکی کشته و 14 تن دیگر به شمول قومندان چنگ بای، قومندان سلیم و ارباب ولی شدیدا زخم برداشتند.

این انفجار زمانی صورت گرفت که ملیشه های اربکی بخاطر اخذ معاش در یکجا گرد آمده بودند. با کشته و زخمی شدن این جنایتکاران مردم محل نیز از شرشان خلاص شدند.

**خون قهرمان غازی محمد روزی جان 8 عسکر امریکائی را در ولایت تخار گرفت**

۲۳ اسد، ۱۳۹۲هـ ش: نا وقت شب گذشته در ولایت تخار  درمنطقه باغک، بالای خانهٔ قهرمان غازی محمد روزی از سوی نیروهای امریکائی عملیات شبانه صورت گرفت. قهرمان محمد روزی با شجاعت خاص علیه نیروهای اشغالگر مبارزه نموده هشت تن ایشان را رهسپار جهنم کرده وشماری دیگر را زخمی ساخت، بالآخره قهرمان روزی محمد به آرمان دیرینهٔ اش که عبارت از شهادت بود، رسید. انا لله وانا الیه راجعون

قابل ذکر است که شهید قهرمان غازی محمد روزی، دوسال پیش در ولایت ارزگان، بعد از درک حقایق وظیفۀ ایمانی و وجدانی خود دانسته بالای عساکر استرالیایی گلوله باری نمود که در نتیجه 12 تن ایشان هلاک ساخته و خودش بایک عراده تانک اشغالگران به صف مجاهدین پیوسته بود.

**در یک عملیات کمین در ولسوالی تالابرفک ولایت بغلان چهار عراده رینجر حکومت تخریب گردید**

26 اسد، 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان از ولایت بغلان خبر داده اند که درنتیجۀ یک عملیات کمین در ولسوالی تالابرفک این ولایت چهار عراده رینجر دشمن را تخریب ساختند. اما از تعداد تلفات این رویداد معلومات دقیق در دست نیست.



در همین حال در یک عملیات مشابه دیگر در ولسوالی مذکور 3 تن از انجینیران وزارت معدن حکومت دستگیر شدند که هم اکنون نزد مجاهدین اسیر میباشند.

**بدخشان: سه پوستۀ دشمن درولسوالی جرم فتح گردید.**

شنبه 26 اسد 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان درولسوالی جرم ولایت بدخشان بالای پوستۀ عساکر مزدور افغان هجوم نمودند، که درنتیجه سه پوسته فتح گردیده و20 تن از دشمنان اسلام کشته شده ویازده تن اسیر ومقدار سلاح ومهمات غنیمت گردیدند، واز سربازان اسلام نیز دوتن به درجۀ رفیع شهادت نایل آمدند. انا لله وانا الیه راجعون

**بدخشان: درولسوالی بهارک 20 تن از عساکر دشمن کشته شدند**

شنبه 26 اسد 1392: عساکر مزدور افغان با همکاری باداران شان در ولسوالی بهارک ولایت بدخشان جای مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان موجود بودند، هجوم آورده محاصره نمودند، که درنتیجه مجاهدین اسلام مقاومت نموده خود را از چنگ دشمنان اسلام

خلاص نمودند، وسرانجان از دشمنان اسلام 20 تن کشته شدند، ودوتن برادران مجاهد نیز به شهادت رسیدند. اناللہ وانا الیه راجعون

**تخار: در نتیجۀ یک انفجار در ولسوالی بنگی 6فرد پولیس کشته و زخمی شدند**

چهارشنبه 30 اسد 1392: خبر های رسیده از ولایت تخار میرساند که موتر حامل ملا نادر قومندان امنیه ولسوالی بنگی ولایت تخار مورد هدف ماین قرار گرفته است. این حادثه حوالی ساعت 7 صبح امروز در منطقۀ دو راهی بنگی هنگامی صورت گرفت که قومندان ملا نادر با قومندان داود یکجا در حرکت بود .گفته میشود که در این حادثه 3 محافظ قومندانان مذکور کشته و سه تن دیگر مجروح شدند. در داخل مجروحین این رویداد قومندان ملا نادر نیز شامل میباشد.

**قندز: ساختمان ولسوالی دشت ارچی به آتش کشیده شد**

تاریخ: چهار شنبه، 30 اسد 1392: خبر های رسیده از ولایت قندز حاکیست که عساکر دشمن در ولسوالی دشت ارچی آن ولایت یک پوستۀ مهم شان را تخلیه نموده اند.

پوسته دشمن که در نزدیک مرکز آن ولسوالی موقعیت داشت، حوالی عصر دیروز از خوف حمله احتمالی مجاهدین تخلیه گردید. که بعدا مجاهدین با استفاده از فرصت ساختمان آن ولسوالی را کاملا به آتش کشیدند.

**ننگرهار: یک پوسته دشمنان داخلی مورد حمله قرار گرفت**

پنجشنبه، 31 اسد 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان از ولایت ننگرهار خبر داده اند که روز پنجشنه بالای یکی از پوسته دشمنان داخلی توسط سلاح دشکه گلوله باری نمودند، که درنتیجه یک عسکر دشمن کشته شده است.

**خبرتازه : رئیس امنیت ملی ولایت فراه مورد حمله فدایی قرار گرفت**

تاریخ: پنجشنبه 31 اسد 1392: مجاهدین امارت اسلامی از ولایت فراه خبر داده اند که امروز حوالی ساعت 9 صبح ، رئیس امنیت ملی این ولایت؛ عبدالصمد ، در شهر فراه مرکز این ولایت ، مورد حملۀ فدایی یک تن از مجاهدین کندک استشهادی امارت اسلامی ( شفیع الله باشندۀ قندهار ) قرار گرفته است

شاهدان عینی می گویند، این عملیات زمانی انجام گرفت که نامبرده از تعمیر پی آر تی اشغالگران خارجی در حال خارج شدن بود .

طبق معلومات ابتدایی ، در این عملیات قومندان نامبرده که یک فرد بسیار قابل اعتماد برای اشغالگران خارجی بود، با 3 محافظش کشته شده است.

**هجوم مجاهدین در داغستان**

پنجشنبه 31 اسد 1392: به گزارش خبرگزاری روسی "ریا نوفوستی"، سخنگوی رسمی پلیس روسیه اعلام کرد که افراد مسلح روز چهارشنبه به نیروهای دولتی در شهر بویناکسک در 40 کیلومتری جنوب غرب استان محج قلعه در جمهوری داغستان هجوم بردند .گزارشات حاکی است که در این هجوم که توسط مجاهدان صورت گرفته است یک سرباز به هلاکت رسیده و یک تن دیگر نیز زخمی شده است

**غزنی: یک عسکر دشمن در گیلان مورد هدف درازنوف قرار گرفت**

جمعه، 31 اسد 1392: خبرهای رسیده از ولایت غزنی میرساند که مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با استفاده از سلاح دراز نوف یک عسکر دشمن را که در پوسته اش بود، به قتل رسانده اند.

این درحالیست حملات مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در اکثر نقاط افغانستان شدت یافته ودشمنان داخلی وخارجی را نگران ساخت است.

**در اثر یک حملۀ استشهادی در پایگاه مشترک نیروهای داخلی وخارجی در تگاب، شماری از عساکر دشمن کشته و زخمی شدند**




دوشنبه، 4 سنبله 1392: خبرهای تازه ازولایت کاپیسا حاکی است که دراثر حملۀ نیرومند مهاجمان استشهادی، پایگاه مشترک اشغالگران امریکایی واجیران داخلی شان در ولسوالی تگاب کاملا نابود گردیده است.

پایگاه متذکره که درمنطقه جالو خیل آن ولسوالی موقعیت دارد، حوالی بامداد امروز توسط یک موتری که مملو ازمواد نیرومند انفجاری بود، صورت گرفت که

درنتیجهٔ آن پایگاه کاملا نابود گردیده وتمامی عساکرمستقر خارجی وداخلی درآن کشته وزخمی شدند.
به اساس معلومات از ساحه، اکنون منطقه تحت محاصره دشمن قرار دارد وبرای انتقال اجساد کشته شده وزخمی دشمن، هلیکوپتر های نوع امبولانس رفت وآمد مینماید.

**قندز: در یک حمله چریکی یک صاحب منصب حکومت با محافظش کشته شد**

سه شنبه 5 سنبله 1392: خبرهای رسیده از ولایت کندز میرساند که در نتیجهٔ حملهٔ چریکی مجاهدین امارت اسلامی در منطقه بندر خان آباد یک صاحب منصب پولیس کشته شد.
این حادثه شام دیروز در مربوطات مرکز کندز صورت گرفت که در آن خیرمحمد با یک محافظش به قتل رسید.

**قندز: یک کاروان دشمن در چهاردره مورد حمله قرارگرفت**

چهار شنبه, 6 سنبله 1392: به اساس خبر، مجاهدین امارت اسلامی بریک کاروان اکمالاتی عساکر اشغالگر در ولسوالی چهاردره ولایت قندز حمله کردند.
حمله ساعت 2 بعد ازظهر دیروز درمنطقه نوآباد برآن کاروان دشمن صورت گرفت که مواد نظامی ولوژستیکی را از بیس انتقال میدادند، که دراثرآن، یک تن پولیس کشته و3 تن سکورتی ها زخمی شدند.

**فراه: 40 موتر اکمالاتی دشمن در فراه رود به آتش کشیده شد**



چهار شنبه, 6 سنبله 1392: مجاهدین امارت اسلامی از ولایت فراه خبر داده اند که شام روز گذشته حوالی ساعت 7 بجه، پارکینگ موتران اکمالاتی دشمن را در بازار ولسوالی فرارود نزدیک قرارگاه اشغالگران خارجی هدف

انداخت هاوان قرار داده اند .

در این عملیات موتران و تانکر های اکمالاتی دشمن طعمهٔ حریق گردید که شعله های آتش از آن تا صبح دهانه می کشید .

طبق معلومات دقیق، در این عملیات 40 موتر و تانکر اکمالاتی دشمن کاملا سوخته و از بین رفته است در این عملیات حد اقل 6 تن از افراد دشمن و موتروانان بهلاکت رسیده و 10 تن دیگر نیز مجروح گردیده اند .

**غزنی: مجاهدیدین اسلام سه عراده رینجر دشمن را مورد هدف ماین قرار دادند**

روز چهارشنبه، 6 سنبله 1392: گزارش های رسیده از ولایت غزنی میرساند که شب گذشته بالای مجاهدین در ولسوالی گیلان آن ولایت، عملیات شب هنگام صورت گرفت. مجاهدین به فضل خداوند سه رینجر اردوی ملی را مورد هدف ماین قرار دادند، که در نتیجه سه عراده رینجر حکومت را کاملا تخریب گردید.

**دراثرحملات فدایی،109 خارجی وداخلی کشته وشمارزیادی زخمی شدند و 2 هلیکوپتر،6 تانگ و20 موتر نابود گردید**



تاریخ: پنجشنبه, 7 سنبله 1392: درسلسله عملیات خالد بن ولید رضی الله عنه حملات فداییکه توسط 13 تن از قهرمانان امارت اسلامی بالای پایگاه مهم امریکایی ها ساعت 4 عصر دیروز در مرکز ولایت غزنی آغاز گردیده بود تا ساعت 12 شب به شدت ادامه داشت.

درنخستین مرحله این حمله فدایی 8 ساعته، دوموتر لاری مملوء از مواد انفجاری نیرومند، دشمن را هدف قرار داد که یکعراده موتر بالای نظام قراول (PRT) پوسته امنیتی واطاق خواب عساکر خارجی تصادم داده شد وموتر لاری دوم ،نظام قراول قرارگاه عساکر اجیر داخلی را که در جوار پایگاه (PRT) موقعیت دارد،دهدف قرار داد که درنتیجه آن تمام اهداف متذکره را نابود ساخت و9 تن مجاهدین فدایی مجهز به سلاح های سبک وسنگین به آسانی توانستند وارد ساختمان پایگاه های دشمن شوند.

مجاهدین مسلح فدایی در این عملیات دفترمعلوماتی استخبارات، بخش توپچی، پارکینگ هلیکوپترها، سلاح کوت ودیپو ودیگر تاسیسات دشمن را تحت ضربات کوبنده شان قرار ددند واندکی بعد از حمله دو هلیکوپتر خارجی ها در(PRT) نشست کردند که متصل مورد حمله قرار داده شده وهردو هلیکوپتر با سرنشینانش نابود گردید.

درجریان حملات که 8 ساعت ادامه یافت به دشمن تلفات سنگین جانی ومالی وارد گردیده است.

معلومات تلیفونی مجاهدین فدایی از داخل پایگاه دشمن،چشم دید مردم منطقه وراپورهای مخصوص نشان می دهد که 78 تن افسر وعسکر خارجی،21 تن اجیران داخلی، جاسوسان وکارمندان در داخل تعمیر پی آر تی وقرارگاه شان کشته وشمار زیاد دیگر زخمی شدند.

در این عملیات همچنین دو هلیکوپتر، 20 عراده موتر و6 تانگ دشمن کاملا نابود گردیده است واکثر قسمت های ساختمان پایگاه، سلاح کوت ودیگر تاسیسات دشمن تخریب گردیده است.



قابل ذکرست که برای حمایت این حملات فدایی، یک گروپ دفاعی 15 نفری مجاهدین از بیرون پایگاه پی ارتی، پوسته های امنیتی آن را نیز مورد حمله قرار دادند که درجریان آن 2 پوسته پایگاه کاملا فتح گردید و10 عسکر درآن کشته شدند ویکعراده موتر نوع رینجر را با مقادیر زیاد سلاح نیز غنیمت گرفتند .

درپایان 11 تن قهرمانان فدایی و4 تن مجاهدین دفاعی به شهادت رسیدند (تقبل الله شهادتهم) و11 تن مجاهدین دفاعی سالم وغانم دوباره به مراکز شان بازگشتند.

**فراه: 37 عسکر دشمن بشمول افراد بلند رتبه در پیتاک کشته وزخمی شدند**

تاریخ: پنجشنبه, 7 سنبله 1392: مجاهدین امارت اسلامی از ولایت فراه خبر داده اند که عصر روز گذشته کاروان مشترک پولیس اجیر و پولیس نظم عامه را که مقام های ارشد رژیم اجیر را انتقال می داد، در منطقه پیتاوک میان ولسوالی های بکوا و گلستان مورد حمله مسلحانه قرار داده اند .

این عملیات بصورت کمین انجام گرفت، که در طی آن بشمول معاون شبکۀ استخبارات (بشیرخان درآبادی) که یک فرد بسیار ظالم و وحشی بود، و معاون ترویزم و معاون کندک پولیس (همایون)، 15 تن پولیس کشته شده و 22 تن دیگر مجروح گردیده اند و 5 عراده موتر رینجر نیزکاملا از بین رفته است .

در این درگیری دو تن از مجاهدین نیز بشهادت رسیده اند .اناالله وانااليه راجعون

این در حالیست که روز گذشته نیز مجاهدین در طی حملۀ راکتی در منطقه نزدیک مرکز ولسوالی فراه رود، 40 تانکر سوخت دشمن را کاملا نابود نموده بودند .

قابل ذکرست که دشمن نیز در جریان درگیری عصر روز گذشته ، کشته شدن 15 تن پولیس و تخریب 4 عراده رینجر را پذیرفته است .

**غزنی: یک عسکر اردوی ملی در ولسوالی گیلان توسط درازنوف کشته شد**

روز پنجشنبه، 6 سنبله 1392: خبرهای رسیده از ولایت غزنی میرساند که مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان، با استفاده از سلاح درازنوف یک عسکر اردوی ملی را مورد هدف قرار دادند که درنتیجه عسکر مذکور به قتل رسید.

**پاکستان: 20 فوج پاکستانی در وزیرستان شمالی کشته شده و20 تن دیگرش زخمی شدند**

یکشنبه، 10 سنبله 1392: مجاهدین اسلام در منطقۀ دته خیل وزیرستان شمالی یک عراده لاری فوج پاکستانی را مورد هدف ماین قرار دادند، که در نتیجه 20 تن از آنها کشته شده و 20 تن دیگرش به شدت زخمی شدند، و موتر مذکور کاملا از بین رفتند.

**آخرین جزئیات حملات فدایی امروز در تورخم:**

دوشنبه 11 سنبله 1392: درجریان عملیات مبارک خالد بن ولید رضی الله عنه بامداد روز دوشنبه برآن پایگاه وپارکینگ عراده جات ووسائل امریکایی درمنطقه تورخم ولایت ننگرهار حملات فدایی آغاز گردید که آن وسائط نظامی وسامان آلات رزمی عساکر اشغالگرفراری ازگوشه وکنار کشور غرض انتقال به خارج، جمع آوری وپارک میگردید. این حمله موفقانۀ استشهادی که توسط 3 تن از مجاهدین فدایی امارت اسلامی هریک محمد یاسین باشنده ولایت ننگرهار، عبد الرحمن باشنده ولایت کنر وفاروق جان باشنده ولایت قندهار انجام شد 5 ساعت ادامه یافت. هردو پایگاه دشمن که باهم موقعیت دارد، روی یک تاکتیک ویژه هدف انفجارات قرار گرفت وکاملا درشعله های آتش فرورفت. که درنتیجه آن 154 تانک امریکایی،12عراده موتر ماین پال، 85 عراده موتر تیلر مملوء از سامان آلات، 9 عدد کانتینر مملوء وسربسته درشعله های آتش فرورفت وکاملا نابود گردید.

به اساس خبر، این همه اموال و وسایل مهم نظامی که درجریان فرار عساکر جبون امریکایی از سراسر کشور گلچین شده بود وغرض انتقال آن به خارج کشور به آن پایگاه سرحدی آورده شده بود، توسط جان فشانی 3 تن مجاهدین فدایی به آتش کشیده شد. ومجاهدین فدایی بعد از نابود کردن اموال یاد شده، علیه اشغالگران واجیران داخلی حمله کردند که شمار زیاد اشغالگران واجیران داخلی را نیز بکام مرگ کشاندند. نبرد ساعت 10 چاشت روز دوشنبه به شهادت آخرین فرد مجاهد فدایی پایان یافت. خبرمیگوید که منطقه هنوز هم درشعله های دود وآتش فرو رفته است.

**کندز: 15 عسکر اردوی ملی به شمول یک قومندان مهم دشمن در دشت ارچی کشته شدند**

چهارشنبه، 13 سنبله 1392: گزارشات تازه از ولایت کندز حاکیست که پیروان حق با عساکر اردوی ملی در ولسوالی دشت ارچی آن ولایت درگیر شدند.

دراین حمله سلاح سبک وسنگین استفاده گردید و تا ساعت 3 بعد ازظهر ادامه یافت که درنتیجه آن 15 عسکر اردوی اجیر کشته و شماری هم زخم برداشتند. گفته میشود که در میان کشته شده گان یک قومندان مهم دشمن نیز شامل میباشد.

همچنان در آتش متقابل دشمن یک مجاهد فداکار شهید ویک تن دیگر نیز مجروح شده است.

انالله واناالیه راجعون.

**این بود اخبار منطقه و جهان خدمت شما خوانندگان عزیز قرار گرفت.**

**"ادارۀ جند الله"**

# The Army Of Khurasan

